

پرداخت غرامت بازار دولتی غربی از فروش نفت ما جلوگیری کنند با کنسرسیوم چنین دولتی چگونه می‌توان معامله کرد و با مردمان قوی و زورگو هر معامله‌ای بشود موجب ندامت است.

و اما اینکه در اعلامیه اظهار شده «به کار انداختن صنایع ملی نفت ما توأم با تحصیل عایدات و حفظ منافع ملت ایران در چهاردیواری قانون ملی شدن صنعت نفت نصیب ما شده است» صحیح نیست زیرا مراد از ملی شدن صنعت نفت این بود که آن قسمت از ایران که شرکت سابق در آن فعال می‌باشد بر آن مسلط شود ولی اکنون می‌خواهند این کار را برهم زنند و دست بریده‌ای که ملت ایران به جای خود وصل کرده است باز قطع کنند و افتخاراتی که در نتیجه فداکاریهای زیاد به دست آورده است از او سلب نمایند و به دنیا ثابت کنند که تصویب قوانین ملی شدن صنعت نفت و خلق ید از بیگانگان یک امر تصادفی بوده است.

ب- نظر اقتصادی این است که عواید نفت جنوب یعنی آنهایی که شرکت سابق به حساب دولت ایران می‌گذاشت و نمی‌گذاشت تمام نصیب ملت ایران شود و در امور تولیدی و بالا بردن سطح زندگی مردم به کار رود و بیگانگان سرأ و علناً از آن سوءاستفاده نکنند و صرف اموری که برای مردم مفید است بشود.

در قسمت دیگر از اعلامیه چنین اظهار شده: «در مدت سه سالی که چاه‌های نفت ما خشکید و آبادان خاموش شد محصولات نفتی خاورمیانه توسعه فراوانی یافت و در مدت کوتاهی کمبود نفت ایران را چاه‌های کویت و عراق و عربستان جبران کردند. پالایشگاه‌های کوچک و بزرگ در ممالک مختلفه عالم ساخته شد و آنها را از خرید نفت تصفیه شده بی‌نیاز نمود صرفاً تجارتنی، کمپانی‌های بزرگ نفت را به ازدیاد محصولات مناطقی از قبیل کویت تشویق کرد و مجموعه این تحولات امکان تجدید فعالیت صنایع ایران را با مشکلات بزرگی مواجه ساخت.»

که عرض می‌کنم اگر چاه‌های کویت و عراق و عربستان جبران نفت آبادان را می‌کنند و دنیا دیگر به هیچ وجه محتاج نفت ایران نیست و بازار جهانی به روی نفت ما بسته شده چرا هر یک از شرکتهای عضو کنسرسیوم سعی می‌نمود که در تقسیم اسهام نفت ایران بر دیگری سبقت گیرد؟

چرا قانون ضد ترانس امریکا نسبت به شرکتهای عضو کنسرسیوم بلااثر گردید تا

آنها هم نتوانند از این مال بی صاحب استفاده کنند؟

چرا حاضر نیستند که کار عوامت را تمام کنند تا دولت ایران به ضرر و یا منفعت خود بهره برداری کند؟

چرا در این وقت که چنین قراردادی می‌گذرد و ۴۰ سال ملت ایران را تحت بندگی قرار می‌دهد یک روزنامه قادر نیست نسبت به «ضرات این کار اظهار عقیده و از عملیات دولت انتقاد کند؟

اگر نگذارند ملت ایران از معادن نفت خود بهره برداری کند و در نتیجه اجرای قانون ۹ ماده‌ای حیثیات خود را حفظ کند در حسن نیت دولت بزرگ باید تردید کرد زیرا کمونیسم را بهانه کرده‌اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند و برای ادامه سوء استفاده ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم نمایند.

اگر نویسندگان اعلامیه به آنچه در قسمت اول آن نوشته‌اند و عیناً نقل می‌شود «سه سال پیش مردانه به پا خاستند تا یکی از پر ثروت‌ترین منابع عایدی خود را در دست گرفته و با تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور راه را جهت به کار انداختن این صنعت عظیم و تحصیل عایدات بیشتری از آن و امکان ظهور و بروز لیاقت جوانان ایران صاف کردند» معتقدند چه موجباتی پیش آمده که این منابع پر ثروت را از دست ملت بگیرند و به تصرف یک شرکت ظالم که ۵۰ سال امتحان خود را داده است بدهند و امکان ظهور و بروز لیاقت از جوانان ایران سلب کنند.

چه چیز سبب شده که تصف عایدات این ملت ضعیف و ناتوان را به متمول‌ترین شرکت‌های دنیا بدهند و متمول‌ترین دولتها از آن‌ها مالیات بگیرند. عجب در این است که یکی از منالک نفت خیز و هم کیش ما از نهضت ملی ایران استفاده نمود و قرارداد خود را با شرکت نفت به نفع خود اصلاح کرد ولی ما می‌خواهیم تمام مبارزات و فداکاری ملت ایران را تئیده بگیریم و قرارداد «گس گلشانیان» را به هر سعی که باشد به تصویب مجلسین برسانیم و توهین بزرگ و غیر قابل جبرانی به ملت ستمدیده ایران بنمائیم.

اقتصاد بدون نفت برنامه دولت گردید

از نتیجه مذاکرات با اشخاص و هیئتهای مختلف معلوم شد که حریف دارای حسن نیت نیست و به هر طریق می‌خواهد ما را فریب دهد و شایسته نبود که آزادی و استقلال ملت با این همه فداکاری‌هایی که نمود فدای مبلغ نا قابلی از عایدات که مصرف آن هم در اختیار ما نبود بشود. این بود که دولت تصمیم گرفت برنامه اقتصادی بدون نفت تعقیب تا هر وقت

اختلاف رفع شد. عواید فروش نفت به مصرف امور تولیدی در بالا بردن سطح زندگی افراد برسد. برنامه دولت با موفقیت پیشرفت می‌کرد چون که در مدت متجاوز از ۲۷ ماه آنچه خارج از عواید جاریه به دولت اینجانب رسید من حیث المجموع ۵۳۳ میلیون تومان بوده که ریز آن در دادگاه تجدیدنظر نظامی خوانده شد که از مبلغ مزبور در حدود ۲۵۰ میلیون تومان از بابت کسر بودجه دستگاه نفت پرداخته شده و بقیته به مصارف تولیدی کشور رسیده و کسر بودجه مملکتی هم که مبلغ مهمی نیست از این مبلغ پرداخته شده است. چنانچه مبلغ مزبور به دوره تصدای اینجانب تقسیم شود در حدود ۲۰ میلیون تومان در هر ماه خارج از عواید جاریه به دولت رسیده که ۱۰ میلیون تومان برای کسر بودجه شرکت ملی نفت و ۱۰ میلیون تومان دیگر صرف مخارج تولیدی و کسر بودجه مملکت شده است.^۵

کم استخراج می‌کنیم و منافع آن را خود می‌بریم

روزنامه کیهان شماره ۲۲۱۳ مورخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۳۲ به نقل از کارشناس مشهور آمریکایی مستر «ریبر»^۶ می‌نویسد «مهندسان ایرانی در شرایط کنونی و در صورت بودن مشتری می‌توانند تولید پالایشگاه را از روزی سه هزار تن به ۲۱ هزار تن افزایش دهند» روی این حساب مقدار نفت تولیدی ما در حدود ۷/۵ میلیون تن در سال خواهد بود که اگر تکلیف غرامت شرکت سابق معلوم شود برای نفت ما هم به قیمت خلیج فارس مشتری پیدا می‌شود و در ظرف مدت خیلی دولت ایران می‌تواند نفت خود را با دول دور و نزدیک که بعضی از آنها نفتکش هم دارند معامله کند چون که میزان فروش شرکتهای نفت از قیمت مصنوعی خلیج فارس بیشتر است و اختلاف ما با شرکت سابق و محاصره اقتصادی دولت انگلیس سبب شده است که دیگران با ما معامله نکنند و یا به قیمت نازل خریداری کنند. اگر دولت شاهنشاهی نتواند عده‌ای نفتکش برای فروش مقداری از نفت خود به مالکی که نفتکش ندارند تهیه کند برای خود نباید هیچ امتیازی با شیخ‌تشینان خلیج فارس قائل شود دول استعماری و استعماری هم حق دارند که یا ما به همان چشم نظر کنند.

فرض کنیم که یک شرکت خارجی به جای ۷/۵ میلیون تن ۱۵ میلیون تن استخراج کند وقتی که ۵۰٪ از عواید خالص ما نصیب آن شرکت شود و بیش از ۷/۵ میلیون تن که با کارشناس خود می‌توانیم به دست آوریم عاید ما بشود از این چه بهتر که آن ۷/۵ میلیون تن

۵- صفحات ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۶ تا ۲۱۹، بیست شماره ۱، جلد هشتم (۱۳۳۱/۱/۳۳) دادگاه تجدیدنظر، کتاب دوم، چاپ اول.

نفت در زمین بماند و نسلهای آینده از آن استفاده کنند.

چنانچه ۷/۵ میلیون تن کفاف احتیاجات ما را نکند چه مانعی هست که برای تولید یک مقدار نفت اضافی عده ای کارشناسان از خارج بیاوریم و حقوق این عده در مقابل قیمت نفت اضافی ناچیز است.

آن چیزی که باید مورد توجه واقع شود این است، وقتی که بهره برداری نفت در دست شرکت ملی نبود وقتی که کارشناسان از ما حقوق نگیرند و سروکاری با ما نداشته باشند مقدار نفت صادراتی ما یا بیلان شرکت فرق می کند. و به جرئت می توان گفت کمتر شرکتی است آنچه می برد در دفاتر خود بنویسند. همچنانکه هیچکس نفهمید بحریه انگلیس از آبادان چه مقدار نفت برده و از آن بابت چه مبلغ به شرکت سابق نفت پرداخته است.

کمیسیون نفت مجلس شورای ملی هر قدر اصرار نمود که دولت رزم آراء صورتحساب مقدار نفتی که بحریه انگلیس برده و مبلغی که از آن بابت پرداخته بود از شرکت سابق بگیرد و به کمیسیون ارائه دهد ممکن نشد تا اینکه یکی از روزها مرحوم رزم آراء به نقل قول از شرکت گفت که صورت مزبور را باید از بحریه انگلیس مطالبه کرد. همه می دانند که کیسر دولت ایران در شرکت سابق نفت پولی از شرکت می گرفت و در لندن خرج می کرد و در نیم قرن مأموریت خود حتی یک مرتبه هم نتوانست در شرکت راه پیدا کند.^۶

با قرارداد فروش نفت که مدت آن کوتاه باشد کسی مخالف نیست

اگر بگویند به معاملات شرکت ملی نفت نمی توانند اعتماد کنند این حرف قابل قبول نیست زیرا هیچ خریداری به این عنوان که مالک نمی تواند ملک خود را اداره کند حق ندارد که ملک را از تصرف مالک خارج کند چنانچه حاضر شوند برای مدت کوتاهی قسمتی از محصولات نفتی را خریداری کنند این اشکال هم اگر وارد باشد می توان به خوبی رفع نمود و اعتماد مشتریان را جلب کرد. به این طریق که هر مقدار از نفتی که شرکت ملی فروخت و در موقع تحویل نداد مقداری هم اضافه به عنوان جریمه تحویل دهد شرکت ملی هم که یک مرتبه جریمه داد سعی می کند به تعهدات خود وفا کند و باز ممکن است بگویند اگر کیسر هم خود بهره برداری نکند با هیچ قراردادی موافقت نمی کند این هم صحیح است اگر بتوانند مال بی صاحبی را ببرند به از آنست که نبرند و نیز در اعلامیه چنین اظهار شده:

۶- کمیسرهائی نفت از طرف لیرف، زرین کتش و نظام الفین امامی خوبی در خاطرها هست. به قول دکتر مصدق پولی می گرفتند و در آنجا (منظور انگلستان) خرج می کردند وزن شرم نبودند.

«اگر قیام مردانه و نتیجه‌ای که از آن حاصل شده یعنی ملی شدن صنعت نفت آلوده به بعضی اشتباهات نمی‌شد و با کار تجارتنی وقتی را با اغراض سیاسی و کشمکشهای مولود آن مخلوط نمی‌کردند و مبارزات ملت رشید ایران وسیله کسب قدرت و اسلحه تهدید این و آن نمی‌شد و مملکت ما در این مدت از استفاده منابع ثروت خود محروم نمی‌ماند ولی متأسفانه بر اثر اشتباه و بی‌اطلاعی متصدیان مسئول اوقات گرانها از دست رفت.

هدف واقعی ملت ایران از ملی کردن صنایع نفت که تحصیل عایدات بیشتر و رفاه مردم بود در میان گبر و غبار کشمکش‌های سیاسی فراموش شد و فرصت مناسبی که تحت تأثیر احتیاجات فوری بازارهای جهان برای فروش نفت ایران پیدا شده بود یکی بعد از دیگری ضایع گردید».

لازم به اظهار نیست که هیچ چیز به قدر نفت در دنیای امروز جنبه سیاسی ندارد و چنانچه مختصر گردد و غباری هم نشده بود صنعت نفت ملی نمی‌گردید و اظهارات فوق با قسمت اول اعلامیه به کلی مخالف است. اگر عملیات و فداکاری ملت ایران از این جهت مورد تقدیر و تحسین جهانیان قرار گرفت که صنعت نفت در سراسر کشور ملی شد و بهره‌برداری از آن در دست دولت ایران قرار گرفت هدف اصلی پیشنهاداتی که به اینجانب رسید تمام و بدون استثنا این بود که معادن نفت جنوب مرتبه دیگری به تصرف شرکت سابق داده شود که دولت اینجانب نخواست مبارزات و فداکاریهایی که ملت ایران نمود به هدر رود.

چه خوب می‌گفتند کدام پیشنهاد مفیدی رسیده بود که به واسطه عدم موافقت دولت، مملکت از آن استفاده نکرد و متضرر شد.

پیشنهاد مفیدی به دولت نرسید که با آن موافقت نشود

چنین تصور می‌شد که باتک بین‌المللی بتواند برای حل اختلاف راه‌حلی پیدا کند داخل مذاکره که شدیم برناامیدی و یأس ما افزود.

پیشنهاد بانک این بود که برای مدت دو سال بهره‌برداری از معادن نفت را عهده‌دار شود تا طرفین بتوانند به فرصت رفع اختلاف کنند و ۱۷۵ سنت قیمت مصنوعی یک بشکه نفت خام در خلیج فارس تا حل اختلاف بدین قرار تقسیم شود:

۵۸ سنت یعنی یک ثلث از قیمت به عنوان تخفیف خریدار کل (شرکت سابق

نفت).

۳۰ سنت برای هزینه تولید یک بشکه نفت خام.

۳۷ سنت سپرده به خود بانک برای پرداخت غرمت.

۵۰ سنت به دولت ایران از بابت بهره برداری از معادن.

۱۷۵ سنت

چنانچه نفت خام در آبادان تصفیه شود ۵۰ سنت برای هر بشکه نفت خام و سه سنت هم به عنوان استفاده از دستگاه تصفیه که مجموع قیمت یک بشکه نفت تصفیه شده که ۲۲۸ سنت می شد خریدار تأدیه کند در صورتی که قیمت یک بشکه نفت بر اساس خلیج مکزیک از ۲۲۸ سنت به مراتب بیشتر است.

با این حال آن چیزی که سبب شد مذاکرات قطع شود و راجع به قیمت نفت و تخفیف خریدار کل صحبتی به میان نیامد دو موضوع دیگر است که یکی مربوط به کارشناسان انگلیسی است که از نظر بانک شرط اصلی حل قضیه رجعت آنان به آبادان بود و دیگر اینکه بانک بین المللی به این عذر که یک مؤسسه بین طرفی است حاضر نشد دستگاه نفت را که دولت به تصرف او می داد فقط به نمایندگی از طرف دولت ایران اداره کند در صورتی که پس از ملی شدن صنعت نفت شرکت سابق در آبادان اموالی نداشت که بانک بین المللی عامل آن هم بشود و از طرف او اداره کند.

همه می دانند که کنار بانک بین المللی صنعت نفت نبود که برای جلب منفعت از معادن ایران بهره برداری کند. او به عنوان میاتجی آمده بود که تأسیسات نفت جنوب را از ما بگیرد و به تصرف شرکت سابق بدهد و ۵۰ سنت از ۱۷۵ سنت قیمت یک بشکه نفت به شرحی که گذشت بگیرد و به ما تأدیه کند که از ۵۰٪ چهار سنت کمتر است زیرا تخفیف خریدار کل ۵۸ سنت حساب شده است و بعد از دو سال هم اگر اختلاف حل نشد کوچکترین مسئولیت متوجه او نشود. اداره نمودن بانک از طرف دولت و شرکت سابق سبب می شد که موضوع قوانین ملی شدن صنعت نفت و خلع ید به کلی منتفی شود و مرتبه دیگری هم نمی شد که ما صنعت نفت را ملی کنیم و از شرکت سابق خلع ید نماییم.

غیر از مذاکرات بانک بین المللی و مذاکرات با آقای سفیر آمریکا که هیچکدام نتیجه نداد دو نفر دیگر هم می خواستند برای حل اختلافات با دولت ایران داخل مذاکره شوند که یکی «مستر «راس» از مدیران سابق نفت بود به وسیله نامه از بغداد و دیگری «مستر «لوی» همان متخصص نفتی که با «مستر هریمن» نماینده حضرت «ترومن» رئیس جمهور سابق آمریکا به تهران آمده بود توسط سفارت ایران در واشنگتن که اینجانب برای مذاکره حاضر شدم ولی تقاضای آنها مصادف شد با مخالفت های شدید اقلیت مجلس ۱۷ و استیضاح از دولت که چون حریف امیدوار شد مجلس دولت را ساقط می کند و با سقوط دولت اینجانب بهتر می تواند مقاصد خود را انجام دهد تقاضا کنندگان هیچیک وارد مذاکره نشدند و امید

حریف هم مبتدئ به یأس نگشت. اگر به واسطه رفتارندوم مجلس منحل شد و نتوانست دولت را ساقط کند، کودتای ۲۸ مرداد دولت را ساقط کرد.

تبدیل کلمه «امتیاز» به واژه «فروش» نفس قرارداد را تغییر نمی‌دهد

در هر قراردادی سه موضوع اصلی است و موضوعات دیگر فرعی و سه موضوع اصلی این قرارداد یکی طرفین قرارداد، دیگری مدت و بعد حق الامتیاز است که هر یک در ذیل شرح و با قرارداد ۱۹۳۳ دوره دیکتاتوری و قرارداد «گس گلشانیان»^۷ مقایسه می‌شود.

الف- در قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد گس گلشانیان متعاملین دولت ایران و شرکت سابق نفت بودند. در این قرارداد هم که تا کنون منتشر نشده کنسرسیوم و دولت ایران خواهند بود. کنسرسیوم عبارتست از شرکت سابق نفت و شرکت هولاندی «شل» که ۴۰٪ سهام کنسرسیوم متعلق به شرکت سابق نفت و ۶۰٪ متعلق به شرکت «شل» می‌باشد و ۴۰٪ هم متعلق به شرکتهای آمریکایی و ۶٪ بقیه متعلق به شرکت فرانسه است و چون اکثریت سهام متعلق به شرکت سابق نفت و شرکت شل هولاندی است که تابع شرکت سابق نفت است. بنابراین هر تصمیمی که شرکت سابق در امور بهره‌برداری و تصفیه اتخاذ کند ارزش قانونی دارد و اجراء می‌شود و دو نفر نمایندگان ایران هم در هر یک از دو شرکت بهره‌برداری و تصفیه که شرح آن بعد خواهد آمد جز وزن شعر معنایی ندارند و بیش از کمیسز سابق دولت ایران در شرکت سابق نفت در لندن اثری ندارند.

ب- راجع به مدت قرارداد: قراردادهای دوره دیکتاتوری و گس گلشانیان هر دو در سال ۱۹۹۳ میلادی منقضی می‌شدند. لیکن قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۹۹۵ منقضی خواهد شد و معلوم نیست که تعدید دو سال از چه نظر است و از منافع این دو سال به چه عنوان می‌خواهند سوء استفاده کنند.

ج- راجع به حق الامتیاز در اعلامیه مشترک دیده نشد که قیمت نفت روی چه اساس و از روی چه مأخذ معین می‌شود و نبودن یک اساسی برای تعیین قیمت صد درصد به ضرر

ایران تمام می‌شود و پس از امضاء قرارداد بسته به انصاف کنسرسیوم می‌باشد که هر مبلغ بخواهد قیمت نفت را معلوم کند و هر قراردادی که براساس قیمت خلیج مکزیک منعقد نشود کلاه فروشنده پس معرکه خواهد بود ولی راجع به تقسیم منافع از جزایر چنین مستفاد شد که حق الامتیاز دولت با قرارداد «گس گلسائیان» بی تفاوت است یعنی ۵۱٪ از عواید خالص به دولت ایران می‌رسد و ۵۰٪ دیگر به صاحبان امتیاز.

پس معلوم شد که نتیجه پیشنهاد کنسرسیوم با قراردادهای سابق یکی است و اختلافی که بتوان گفت امتیاز نیست و آن را در چهار دیواری قوانین ملی شدن صنعت نفت وارد کرد ندارد.

اکنون باید دید که نویسندگان اعلامیه از این قسمت آن چه نظر داشته اند. «تشکیل کنسرسیوم از کمپانیهای بزرگ نفت و ملیتهای گوناگون کاری سابقه ای است که برای اولین مرتبه در تاریخ صنعت نفت به وجود آمده است و قراردادی که براساس خرید و فروش نفت میان کنسرسیوم و شرکت ملی نفت ایران منعقد خواهد شد در نوع خود بی نظیر می‌باشد».

چنانچه از جمله «قراردادی براساس خرید و فروش نفت» مقصود این است کلمه «امتیاز» به واژه «خرید یا فروش» تبدیل شود که با قانون تحریم امتیاز نفت مخالف نباشد و مجلسین بتوانند آن را تصویب کنند. تبدیل امتیاز به خرید یا فروش در نفس قرارداد اثری ندارد و معنا و مفهوم آن را تغییر نمی‌دهد. همچنانکه بعد از تصویب قانون تحریم امتیاز دولت اتحاد جماهیر شوروی هم برای تحصیل امتیاز معادن نفت شمال با دولت قوام موافقت نمود که قرارى تحت عنوان «شرکت مختلط ایران و شوروی» امضاء کنند و مطابق اساسنامه شرکتهاى سهامى اسهام شرکاء را معلوم نمایند که در قرار مزبور ۵۱ سهم از ۱۰۰ سهم یعنی اکثریت سهام از بابت مخارج تأسیسات بهره برداری به دولت شوروی واگذار شده بود که در گرفتن هرگونه تصمیمی آزاد باشد و ۴۹ سهم بقیه هم به دولت ایران از بابت منافع معادن نفت شمال داده می‌شد که چون موضوع قرار شرکت مختلط یا امتیاز نفت یکی بود و به قول معروف چه علی خواجه و چه خواجه علی و هر دو برای این بود که معادن نفت شمال به دولت شوروی واگذار شود که از آن بهره برداری کند و هر چه خواست به دولت ایران بدهد. مجلس ۱۵ به جا و به حق تشخیص داد که قرار شرکت مختلط یک قرارداد امتیاز تقلیبی است و از تصویب آن خودداری نکرد و هرگونه عطفی برخلاف این رویه بسیار خطرناک است و مملکت را دچار مشکلات می‌کند. به عبارت اُخری قانون تحریم امتیاز نفت را باید مثل یکی از اصول قانون اساسی دانست. فرض کنیم که موضوع قرارداد امتیاز به دو قسمت تقسیم شود یعنی عمل بهره برداری و تصفیه به دو شرکت هولاندی محول شود که یکی

اکتشاف و استخراج نفت را عهده گیرد و دیگری نفت را تصفیه کند و بعد کنسرسيوم با شرکت ملی قرارداد خرید و فروش منعقد نماید مجموع این دو قرارداد امتیاز است و آن چیزی که امتیاز بودن قرارداد را ثابت می‌کند این است که ۵۰٪ از عواید ما را مثل صاحبان امتیاز در سایر مناطق نفتخیز کنسرسيوم خواهد برد و قرارداد خرید و فروش با شرکت ملی از قرارداد امتیاز قلب باهیت نمی‌کند.

و باز آن چیزی که نمی‌تواند چنین قراردادی را در چهاردیوار قوانین ملی وارد کند این است که بر طبق قوانین مزبور عمل بهره‌برداری حق مانع‌الغیر دولت ایران قرار گرفته است و اکنون که شرکتی که حتی تبعه ایران هم نیستند می‌خواهند از معادن نفت ما بهره‌برداری کنند و دولت ایران که معول عمل بهره‌برداری است نه قرارداد کارشنامان را امضاء کند نه به آنها حقوق بدهد و هر عملی که در کار بهره‌برداری بشود یا نظریات شرکت سابق صورت گیرد که در کنسرسيوم ذالوی اکثریت است و هر عمل خلافی هم که در کار بهره‌برداری نسبت به منابع دولت ایران بشود مثلاً مقدار نفت صادراتی را کمتر از آنچه صادر بشود قلمداد کنند دولت نتواند آنها را از کار خارج نماید و آنها به کار خود ادامه دهند و بگویند ما مسئول شرکتیم دولت اگر شکایتی دارد باید از شرکت به محاکم هولاند عرضی حال دهد.

اکنون قانون مصوب یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ راجع به تحریم امتیاز نفت و فقره سوم از تصمیم قانونی ۳۰ مهرماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی راجع به تحریم امتیاز و ایجاد هر نوع شرکت که در آن خارجی‌ها به وجهی از وجوه از منافع نفت ما سهم باشند عیناً نقل می‌شود.

الف- قانون مشوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجیها مصوب یازدهم آذرماه ۱۳۲۳.

ماده اول- هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاومت می‌کنند نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند.

ماده دوم- نخست‌وزیر و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم- منتخبین از ماده اول به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ب- بند چ تصبیم قانونی ۳۰ مهرماه ۱۳۲۶.

«واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن به خارجیها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجیها در آن به وجهی از وجوه سهام باشند مطلقاً ممنوع است».

<http://www.chebayadkard.com/>

نظریات راجع به اعلامیه مشترک هیئت نمایندگان ایران و کنسرسیوم

<http://www.chebayadkard.com/>

چون با قرارداد امتیاز اصولاً مخالف اظهار نظر در اعلامیه مشترک برای این نیست که مواد قرارداد اصلاح شود بلکه برای گفتن مضرات نفس قرارداد است. و نظر به اینکه در بعضی جرائد دیده شد که می‌خواهند قرارداد را با گرفتن رأی اعتماد به دولت قانونی کنند این است که عرض می‌کنم گذشته از این که چنین عملی مخالف اصل ۲۴ قانون اساسی است که می‌گوید: «بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، اعطای امتیازات (انحصار) تجاری و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد» مخالف آئین‌نامه مجلس شورای ملی هم هست زیرا تا لایحه جریان مجلسی را طی نکند مورد تصویب واقع نمی‌شود و هیچ عقل سلیمی اجازه نمی‌دهد که مردم یعنی صاحبان حقیقی معادن نفت راجع به امتیازی که مدت ۱۰ سال ملت ایران را تحت اسارت قرار می‌دهد نتوانند نسبت به مصالح خود اظهار عقیده کنند و مجلسین هم بدون اینکه قرارداد امتیاز را مورد بحث و شور قرار دهند محاسن و معایب آن آشکار شود با رأی اعتماد به دولت که معلوم نیست روی چه اصلی به دست آمده آن را قانونی کنند و یک چنین عمل خلافی اگر بشود در هیچ کشور مشروطه سابقه ندارد.

اگر قرارداد خوب است چرا مردم ندانند و دولت را تحسین و تشویق به کار خوب نکنند. و اگر بد است چرا دولت خدمتگزار کاری بکند که مردم با آن موافق نباشند.

در ذیل شماره ۱ اعلامیه مدت قرارداد ۲۵ سال تعیین شده و بر طبق شرایطی آن را برای سه دوره ۵ ساله قابل تجدید دانسته‌اند که شرایط مزبور تاکنون منتشر نشده و تردید نیست که آن شرایط اجازه نخواهند داد که دولت ایران در انقضای مدت ۲۵ سال کنسرسیوم را از کار برکنار کند و باز در اواخر همین قسمت چنین اظهار شده:

«در نتیجه توسعه عملیات مجموع درآمد مستقیم ایران از بابت مالی که به شرکت ملی ایران پرداخت خواهد شد و همچنین وجوهی که بابت مالیات بر درآمد ایران تأدیه می‌شود در ظرف سه سال اول پس از یک دوره مقدماتی سه‌ماهه به ۱۵۰ میلیون لیره تخمین می‌شود».

در صورتی که در ذیل شماره ۲ نوشته شده:

«از سال سوم به بعد خط مشی اعضاء کنسرسیوم با توجه به مساعد بودن اوضاع اداری و

اقتصادی بر این اساس خواهد بود که میزان تولید خود را در ایران با مقداری که از لحاظ وضع عرضه و تقاضای نفت خام در خاورمیانه منصفانه می‌تر باشد وفق دهند».

و از آن چنین برمی‌آید اکنون که مخارج فوق‌العاده‌ای در پیش است به دولت عواید بیشتری بدهند و بعد اگر لازم شد بتوانند عواید دولت را کم کنند تا دولت‌ها در اختیار کنسرسیوم باشند.

در ذیل شماره ۲ اعلامیه چنین اظهار شده:

«بعلاوه شرکت ملی نفت ایران عهده‌دار مستقیم عملیاتی خواهد بود از قبیل آموزش صنعتی حمل و نقل عمومی، راهسازی، خانه‌سازی، بهداشت، رفاه اجتماعی و همچنین هرگونه عمل دیگری که ارتباط مستقیم با بهره‌برداری و تصفیه نفت نداشته باشد» که عمل بهره‌برداری را که حق قانونی و مانع‌الغیر دولت ایران است از شرکت ملی نفت ایران سلب می‌کنند و آن را مسئول تربیت شوفرهای حمل و نقل و راهسازی و خانه‌سازی و امثال آنها می‌نمایند و با وجود این می‌گویند قرارداد در چهار دیوار قوانین ملی شدن صنعت نفت تنظیم می‌شود. در اواخر اعلامیه مشترک گفته شده:

«دو شرکت عامل را کنسرسیوم تأسیس خواهد نمود و این شرکتها عملیات خود را در حدود مشخص در ایران انجام خواهند داد».

که مراد از جمله «شرکتها عملیات خود را در حدود مشخصی انجام خواهند داد» معلوم نیست چه می‌باشد زیرا امتیاز نفت حق مانع‌الغیر است در یک حوزه معلوم و معین به کسی داده می‌شود و تقاضای قراردادی که حوزه امتیاز در آن معلوم نشده باشد و یا اینکه تعیین حدود را به بعد از امضای قرارداد محول کنند بسیار خطرناک است. اگر کنسرسیوم معادن نفت را تصرف نمود و مخارجی هم برای بهره‌برداری کرد و بعد خواست در بلوچستان هم اکتشاف و استخراج کند و دولت راضی نشد تکلیف دولت با کنسرسیوم چه خواهد بود. و نیز گفته شده:

«یکی از این شرکتها متصدی کارهای اکتشاف و استخراج و دیگری متصدی پالایش خواهد بود. این شرکتها در ایران به ثبت خواهند رسید و مرکز اداره عملیات آنها در ایران خواهد بود ولی بر طبق قوانین کشور هولاند تأسیس می‌شوند».

که مراد این است؛ شرکت‌های مزبور در ایران ثبت شوند برای اینکه بتوانند هر یک از افراد ایرانی را در محاکم این کشور و بر طبق قوانین ایران محکوم کنند.

بر طبق قوانین هولاند تأسیس شوند برای اینکه اگر دولت یا یکی از افراد بخواهند از شرکتها شکایتی کنند عرضحال خود را به دادگاه هولاند تسلیم کنند و قضات دادگاه هولاند هم از فرط علاقه‌مندی به مستعمرات معلوم است چرا شمر بگویم که در قافیه آن در

بمانیم.

و نیز در اواخر اعلامیه دیده می‌شود که:

«هر یک از دو شرکت عامل دارای هفت مدیرعامل خواهند بود که دو نفر آنها از طرف ایران و پنج نفر از طرف کنسرسیوم انتخاب خواهند شد. اطلاعات و دفاتر مربوط به عملیات شرکتها در دسترس دولت ایران خواهد بود».

که وجود این دو عامل از طرف ایران به هیچ وجه مؤثر نیست و فقط شغلی است افتخاری ولی با حقوق زیاد و کافی زیرا هیچ یک از مدیران عامل بدون موافقت قبلی کنسرسیوم انتخاب نخواهند شد و آنها هم با کسی موافقت می‌کنند که جزویکی از آن سه گروهی باشد که اینجانب در دادگاه تجدیدنظر نظامی شرح داده‌ام و چنانچه بر حسب اتفاق کنسرسیوم در انتخاب آنها دخالت نکند. بازمی‌آیند، برای اینکه در اقلیتند. بر فرض اینکه دفاتر مربوط به عملیات را در دسترس دولت قرار دهند. و همه چیز را هم در آن بنویسند کی است که از ترس محاکمه و محکومیت بتواند نظریاتی مخالف کنسرسیوم اظهار نماید؟ و باز عرض می‌کنم چرا شعر بگوییم که در قافیه آن در بمانیم. آنجایی که اعلامیه خاتمه پیدا می‌کند می‌نویسند:

«در نظر است کنسرسیوم از کمپانیهای مذکور زیر تشکیل شود:

شرکت گالف اویل - شرکت سوکونی و اکیم - شرکت استاندارد نیوجرسی - شرکت استاندارد کالیفرنیا - شرکت نکسوس - شرکت نفت انگلیس و ایران - شرکت نفت فرانسه و شرکت رویال داچ شل».

که جمله «در نظر است» اگر در قرارداد هم تکرار و نوشته شود می‌رساند که می‌خواهند برای خود اختیاری قائل شوند که در صورت لزوم بتوانند در اعضای کنسرسیوم تغییراتی بدهند. مثلاً به بعضی از شرکتها در سایر نقاط نفتخیز متاعی بدهند و دولتی را قائم مقام آن شرکت در کنسرسیوم بنمایند که در موقع ضرورت بتواند از دولت ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه شکایت نماید و باز تکرار می‌کنم چرا شعر می‌گوییم که در قافیه آن در بمانیم.

این بود نظریات من نسبت به این دو اعلامیه و اکنون عرض می‌کنم گرچه بر مردم روشنفکر علل دستگیری و محکومیت من پوشیده و مستور نبوده انتشار این دو اعلامیه سبب شد که هر فردی از افراد مملکت به علل حقیقی و اصلی بدبختی های من و همکارانم پی ببرد.

وقتی دیدند صنعت نفت در سراسر کشور منلی و از شرکت سابق نفت خلع بد گردید و دولت اینجانب حاضر نشد معادل نفت را به تصرف بیگانگان بدهد نقشه‌هایی ترسیم شد که

یکی بعد از دیگری اجرا و دولت اینجانب ماقط گردید که در دادگاه تجدیدنظر به تفصیل بیان شده است و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی هم آنها را در مصاحبه با خبرنگار مصری المصور که می‌فرمایند:

«نقشه‌ای که کتبیله بودیم کاملاً مطالعه شده بود و احتمالات مختلف را نیز پیش بینی کرده بودیم و می‌دانستیم در مقابل نقشه‌های معکوس چه کنیم. وقتی مصدق فرمان عزل خود را وژ کرد و موضوع را به صورت انقلاب جلوه گر ساخت و خواست از قفوی که به دست آورده بود کمال سوء استفاده را بکند هواپیمای مخصوص من آماده پرواز قوری از کشور بود و من می‌خواستم این کار را بکنم تا مصدق و جماعت او تصور کنند که دور کاملاً به دست آنها افتاده و معارضی ندارند و به آنچه می‌خواهند رسیده‌اند و چون من از کشور پرواز کردم آنها همین اشتباه را کردند و نتوانستند آن پیروزی خیالی خود را که به دست آورده بودند درست حفظ کنند».

تأیید فرموده‌اند.

عائله ۹ اسفند را به هیچ چیز جز به قصاص قیل از جنایت نمی‌توان تغییر نمود چون که تا روز مزبور عملی که از بین رفتن من را ایجاب کند از کسی سر نزده بود. چنانچه شب ۲۵ مرداد کودتا نشده بود و دستخط عزل به آن صورت ابلاغ نمی‌شد هیچ اتفاق نمی‌افتاد و آنچه در چهار روزه آخر مرداد پیش آمد تمام عکس العمل تشریف‌فرمایی شاهنشاه به خارج از مملکت بوده است که همه در حساب من برده شد و مرا برای دو جرم ساختگی و متضاد که یکی «برهم زدن اساس حکومت و وراثت تخت و تاج» و دیگری «تشکیل شورای سلطنتی» بود در آن واحد تعقیب و محکوم کرده‌اند و دادگاه نتوانست از نویسنده‌گان کثیرخواست سؤال کند کسی که می‌خواست اساس حکومت را برهم زند و رژیم مشروطه را به جمهوری دموکراتیک تبدیل کند از چه نظر می‌خواست شورای سلطنتی تشکیل دهد؟

لینها تمام می‌رساند که اتهام بی‌اصل و بی‌اساس تشکیل جمهوری دموکراتیک از این نظر بود که دولت ماقط شود، انتخابات را شروع کنند و قرارداد امتیاز نفت جنوب برای دفعه سوم منعقد گردد.

چنانچه تهیه این مقدمات برای تحصیل امتیاز نبود اکنون که خطر نعره کشی از مملکت دور شده است و مسالها برای رستاخیز ۲۸ مرداد جشن بر پا می‌شود چرا حاضر نمی‌شوند که به یک ملت ناتوانی ترخم کنند و او را آزاد بگذارند که صنعت نفت را خود اداره کند و ۵۰٪ از عواید خالص را هم که کنسرسیوم می‌برد ملت ببرد و آن را صرف بالا بردن سطح زندگی مردم کنند و از تبلیغات کمونیسم جلوگیری نمایند.

روزی که در مجلس ۱۴ یشتهداد تحریم امتیاز نفت را نمودم و در همان جلسه به تصویب رسید عمال سیامت جنوب از عمل من تمجید کردند و بر وطن پرستی من اقرین گفتند ولی عمال سیامت شمال مرا فاشیست و عامل انگلیس نامیدند. در صورتی که من هیچوقت تغییر عقیده نداده‌ام و هر چه و هر وقت گفته‌ام تمام در صلاح وطن عزیز بوده است اکنون یک سال است که در زندان مجرد به سر می‌برم از سوابق من و قرائن چنین به نظر می‌رسد که از زندان جان در نمی‌برم و از این عبارتی غیر از خیر هموطنان عزیزم نظر دیگر ندارم.

امیدوارم که اعلیحضرت همایون شاهنشاه غیر مملکت و مردم را از نظر دور نکنند چون روزهای خوش و روزهای بد تمام می‌گذرد و آنچه می‌ماند نام نیک و نام بد است.

دکتر مصدق

زندانی لشکر ۲ زرهی ششم شهریور ماه ۱۳۳۳

خلاصه اعتراضات دادستان ارتش به رأی دادگاه بدوی درباره مرتیب تقی ریاحی

- ۱- دادگاه رعایت ماده ۲۰۲ و ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش را (در مورد اینکه رأی دادگاه باید راجع به تحقیق بزه و توجه آن به متهم و انطباق با مواد قانونی مدلل و موجه باشد) نکرده و به علاوه کیفر تبعی را (اخراج از خدمت) نیز که هیچ گاه در رأی نباید قید گردد برخلاف ماده ۲۹۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش در رأی صادره ذکر نموده.
- ۲- استدلال دادگاه بدوی در رد دفاعیات مرتیب ریاحی و وکلای مدافع او حاکی از تأیید کیفرخواست و بیانات دادستان ارتش در دادگاه بوده و اعمال او را صریحاً خصمانه تلقی و با سوء نیت به منظور بهم زدن اساس حکومت دانسته ولی در تعیین کیفر جرم متناسبه را با بند «ب» از ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش یعنی لغو دستور تکالیف نظامی منطبق نموده است.
- ۳- دادگاه بدوی مرتیب تقی ریاحی را در برابر اعمال متناسبه مسئول دانسته و کیفرخواست را تأیید نموده ولی در انطباق جرم با ماده قانونی مرتکب اشتباه شده زیرا دادگاه ضمن رأی صادره روشن نموده که دستور حذف نام شاهنشاه از دعای ضبحگاه و شامگاه و صدور دستور جلوگیری نکردن از پایین آوردن مجسمه‌ها و صریحاً اعلام نمودن شاه فراری است به منظور بهم زدن اساس سلطنت بوده، بنابراین جرم نامبرده منطبق با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش می‌باشد.

اینها تمام برسانند و تمام به هر دو بی باکی کثیر جمهوری در کنگره نظر
 بود که دولت ملاحظه شود انتخابات را شروع کنند و قرارداد چهار نعلت
 برای وضع سوم منعقد گردد
 چنانچه تمهید این نفلتت برای تصحیح چهار نفلتت کنونی نظر نفره کنی
 در رشت است و ایام برای ستاخیر که بردار کنی برای بیشتر عاقلان بیشتر
 نفلتت تا توانی طرح کنند و ادرا از ادرا بگذارند صنعت نفت را خود اداره کنی
 و ۵۰٪ از عواید خالص را نام کنند سوم میر نفلتت بردار آن را صرف
 بالا بردن سطح زندگی مردم کنند و از تبلیغات گروم جلوگیری نمایند
 روزیکه در سال ۱۴ پیشداد حکومت چهار نفلتت را نمود و در میان
 عالی مقامات حزب از هر یک تجدید کردند و در طی رشتن آفرین گفتند و در
 میاست شمال مرا فاشیت و عاقل انگلیس نامند در صورتی که نفلتت میر
 نداده ام و هر چه در دست گفته ام تمام در صلاح وطن عزیز بوده است
 اکنون مکالم است و در زندان مجرد میرم از زندان و در آن
 و از زندان جان در عزیزم در آن عراش غیر از خیر از طایف عزیزم
 امیدوارم و اعطیت مایون شایسته غیر نفلتت و مردم را از نظر
 بکنند چون و در دای خوش و در دای بد تمام میگذرد و آنچه از این
 و نام بد است و زندان لشکر کفری ششم شهریور ۱۳۳۳ در زندان

ضمیمه ۱ لایحه فرجامی در دفاع از دولت دکتر مصدق

مستخرجه از جلد اول لساند و نامه‌های سرّی تحت اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت خارجه

(۱۳۳۰/۸/۲۰)

<http://www.chebayadkard.com/>

خلاصه قرارداد داری

قرارداد داری در نهم شهر صفر ۱۳۱۹ قمری مطابق با سال ۱۹۰۱ میلادی در کاخ صاحبقرانیه به امضاء رسیده شامل ۱۸ فصل.

امتیاز گرفته: ویلیام ناکس داری تبعه انگلیس

امتیاز دهنده: دولت شاهنشاهی ایران

موضوع امتیاز: تفتیش و تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از:

گاز طبیعی و نفت و قیر و موم طبیعی باشد در تمام وسعت ممالک ایران در مدت ۶۰ سال از تاریخ امضاء به استثنای آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان و استرآباد (گرگان) یا معافیت از هر نوع عوارض و مالیات به تمام صادرات به خارج - معاف از حقوق گمرکی نسبت به واردات با اجازه تأسیس شرکتهایی برای انضاع - ضمن موافقت به اعزام نماینده ای از طرف ایران (کمیس) برای طرف شور قرار گرفتن با صاحب امتیاز.

حق الامتیاز: به موجب فصل دهم قرارداد از روزی که صاحب امتیاز جهت انضاع

شرکتی تأسیس کنند می‌بایستی ۲۰,۰۰۰ لیره انگلیسی به وجه نقد معادل

۲۰,۰۰۰ لیره انگلیسی از سهام از متابع خالص سالیانه ۱۶٪ به دولت علیه

پردازد.

این قرارداد به توشیح همایونی، امضاء و مهر علی‌احضر اتابک اعظم رئیس الوزراء

وقت و نصرالله مشیرالدوله وزیر خارجه و نظام‌الدین وزیر معادن رسیده است.

تمدید ۳۲ ساله قرارداد نفت

قرارداد در جلسه ۷ خردادماه ۱۳۱۲ (معروف به قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۳۳) از تصویب مجلس شورایملی گذشته به نام امتیاز جدید به جای امتیاز ۱۹۰۱ و پیام ناکس داری، شامل مقدمه-تعریفات و ۲۷ ماده بین دولت ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود حداکثر در وسعت ۱۰۰,۰۰۰ مایل مربع (هر مایل ۱۶۰۹ متر) به اضافه استخراج نفت ایالت کرمانشاه و تصفیه در محل به وسیله یک کمپانی فرعی حقیقی امتیاز ۴ شیلینگ از ژانویه ۱۹۳۳ برای هرتن نفت برای مصرف داخلی ایران و با صادراتی و ۲۰٪ اضافه بر ۶۷۱,۲۵۰ لیبره که به صاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع می‌گردد یا شرایط دلخواهی از هر حیث متدرج در ماده دهم قرارداد با ذکر اینکه در هر سال می‌باید و هرگز از ۷۵۰,۰۰۰ لیبره استرلینگ کمتر باشد- تمدید به ۳۲ سال.

متن اعلامیه‌های مربوط به خاتمه مذاکرات نفت و غرابت^۱

اعلامیه رئیس هیئت نمایندگی ایران

بسیار خوشوقتم که بعد از چهارماه مذاکرات مفضل و دقیق امروز می‌توانم خاتمه مذاکرات مقدماتی نفت را به ملت ایران اعلام کنم.

این موفقیتی که در به کار انداختن صنایع ملی نفت ما توأم با تحصیل عایدات و حفظ منافع ملت ایران در چهار دیوار قانونی ملی شدن صنایع نفت نصیب ما شده است مدیون و مرهون مبارزات دامنه‌دار و از خود گذشتگی و تحمل محرومیت‌های سه‌ساله ملت رشید و قهرمان ایران است که برای اثبات رشد خود و تحکیم ارکان استقلال و اعتلای پرچم پرافتخار این مرز و بوم سه‌سال پیش مردانه به پا خاستند تا یکی از پر ثروت‌ترین منابع عایدی خود را در دست گرفته و با تصویب قانون ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور راه را جهت یکبار انداختن این صنعت عظیم و تحصیل عایدات هر چه بیشتر از آن و امکان ظهور و بروز لیاقت جوانان ایران صاف و هموار کردند. اگر این قیام مردانه و نتیجه‌ای که از آن حاصل شد یعنی ملی شدن صنعت نفت آلوده به بعضی اشتباهات نمی‌شد و یک کارنجاری وفتی را با اغراض سیاسی و کشمکش‌های مولود آن مخلوط نمی‌کردند و مبارزات ملت رشید ایران وسیله کسب قدرت و اسلحه تهدید این و آن نمی‌شد، جنلکت ما در این مدت از استفاده از منابع ثروت

۱- مستخرجه تر روزنامه کیهان که عصر روز پنجشنبه ۱۴ مردادماه ۱۳۳۳ به طور فوق‌العاده منتشر گردید.

خود محروم نمی‌ماند. ولی متأسفانه بر اثر اشتباه و بی‌اطلاعی متصدیان مسئول اوقات گرانمایی از دست رفت.

هدف واقعی ملت ایران از ملی کردن صنایع نفت که تحصیل عایدات بیشتر و رفاه مردم بود در میانه گرد و غبار اغراض و کشمکشهای سیاسی فراموش شد و فرصتهای مناسبی که تحت تأثیر احتیاجات فوری بازارهای جهان برای فروش نفت ایران پیدا شده بود یکی پس از دیگری ضایع گردید. متأسفانه وضعی پیش آمد که کم کم مردم را از به کار انداختن مجدد صنایع نفت ایران مأیوس کردند و آینده وحشتناکی توأم با فقر و بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی برای مردم و مملکت ترسیم نمودند که نتیجه آن سقوط حتمی و اضمحلال قطعی مملکت بود.

در مدت سه‌ساله که چاه‌های نفت ما خشکید و آبادان خاموش شد، محصولات نفتی خاورمیانه توسعه فراوانی یافت و در مدت کوتاهی کمبود نفت ایران را چاه‌های کویت و عراق و عربستان جبران کردند.

پالایشگاه‌های کوچک و بزرگ در ممالک مختلف عالم ساخته شد و آنها را از خرید نفت تصفیه شده بی‌نیاز نمود. صرفه تجارتنی کمپانیهای بزرگ نفت را به ازدیاد محصولات مناطقی از قبیل کویت تشویق کرد و مجموعه این تحولات امکان تجدید فعالیت صنایع نفت ایران را با مشکلات بزرگی مواجه ساخت.

رفع این مشکلات تجاری و فنی مستلزم مجاهدات فوق‌العاده‌ای بود که اگر نپذیریم سیاسی دولت ایران که با راهنمایی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی توانست با منتهای حسن نیت و کوشش محیط حسن تفاهمی به وجود آورد نبود و کمکه‌های معنوی دولت بزرگ غربی از نظر توصیه به کمپانیهای نفتی خودشان به آن توأم نمی‌شد موفقیتهایی که در شرایط امروز جهان به دست آورده‌ایم امکان‌ناپذیر بود.

تشکیل کنسرسیوم از کمپانیهای بزرگ نفت و ملیتهای گوناگون کاری سابقه‌ایست که برای اولین مرتبه در تاریخ صنعت نفت به وجود آمده و قراردادی که بر اساس خرید و فروش نفت میان کنسرسیوم و شرکت ملی نفت ایران منعقد خواهد شد در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد.

امیدوارم بنا حل مشکل نفت و جاری شدن مقدار قابل توجهی نفت ایران در آئینه نزدیکی به بازارهای جهان بهبود اقتصادی و مالی محسوسی در کشور به وجود آید و مردم ایران بتوانند با درآمد این ثروت ملی از رفاه و خوشبختی بیشتری بهره‌مند شوند.

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم از همکاری صمیمانه و حسن نیتی که نمایندگان کنسرسیوم در طول مذاکرات برای پیشرفت کار و کمک به پیدا کردن راه حل مناسب در

مسائل پیچیده و پیچیدگی که وجود داشت می‌دول داشته‌اند تشکر کنم.

مخصوصاً از آقای «پیچ» رئیس هیئت نمایندگی کنسرسیوم که با اطلاعات وسیع و کاردانی و حسن تشخیص خود نقش مهمی در موفقیت مذاکرات داشته‌اند قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

ضمناً از اینکه آقای «هاردن» که در مذاکرات دوره اولیه با حسن نیت کامل همکاری صمیمانه کردند به علت کسالت نتوانستند در مذاکرات مرحله دوم شرکت کنند مراتب تأسف خود را اظهار می‌دارم.

اعلامیه استریچ

مستر هاوارد پیچ رئیس هیئت کنسرسیوم اعلامیه زیر را صادر نمودند:
بسیار خوشوقت هستیم از اینکه می‌توانیم بگوئیم که اینک ما با نمایندگان دولت ایران و شرکت ملی نفت درباره نکات اساسی قراردادی که به موجب آن ایران بار دیگر مقام خود را در میان کشورهای تولیدکننده نفت احراز خواهد نمود توافق کرده‌ایم. اکنون باید برای تقدیم گزارشهای لازم به کشورهای خود مراجعت کنیم ولی بیشتر ما به زودی به تهران برمی‌گردیم که با مشاورین حقوقی خود که مشغول تنظیم جزئیات متن‌های لازم خواهند بود شور کنیم.

پیش از مراجعت به تهران اینجانب چند روز در لندن توقف خواهم کرد که در مذاکراتی که بین کمپانیهای شرکت کننده در کنسرسیوم جریان خواهد داشت شرکت کنیم. کمپانیهای مزبور باید قرارداد جداگانه‌ای در خصوص نحوه شرکت خود با یکدیگر تنظیم کنند و همچنین در آنجا یا تأسیس شرکتی که وظایف حقوقی کنسرسیوم را عهده‌دار خواهد بود به سازمان کنسرسیوم صورت قانونی لازم خواهند داد.

قراری که منعقد می‌شود به کلی بی‌تظیر است و بسیاری مسائل مشکل در میان بوده که به عقیده ما با روح حسن تفاهم و توجه به منافع طرفین حل شده است. من مخصوصاً می‌خواهم حس اجترامی را که نسبت به شخص آقای «دکتر امینی» دارم اظهار کنم. ایشان مأموریت خود را با درایت و کاردانی و سرمختی فوق‌العاده‌ای انجام داده‌اند و چه خود و چه همکارانشان از هیچ‌گونه فشاری خودداری نکرده‌اند تا در هر مورد آنچه را که امکان‌پذیر بوده در تأمین منافع کشور خود به دست آورند ولی در عین حال هیچ‌گاه از جاده انصاف خارج نشده‌اند و باید اضافه کرد که همه ما حتی در مشکلترین مواقع حس فهم شوخی را از دست نداده‌ایم.

کمپانیهای مربوطه در همه مواقع مسائلی را که با آن مواجه بوده‌ایم با روح

صمیمیت تلقی ننوده و برای پیدا کردن راه‌حلهای قابل قبول منتهای کوشش را به خرج داده و در بسیاری موارد از منافع فردی خود صرف‌نظر نموده‌اند آنهم در موقعی که هم تولید نفت خام و هم گنجایش تصفیه در سراسر دنیا به میزانی بیش از احتیاجات کنونی بازار می‌باشد و این گذشت برای آن بوده است که ایران بتواند از منافع صنعت نفت خود بار دیگر برای اقتصادیات کشور بهره‌مند گردد.

اساس این کار با روح دوستی و همکاری گذاشته شده و اینک رابطه‌ای بین طرفین ایجاد گردیده است، که به عقیده ما از نظر هر دو منصفانه و مفید می‌باشد و مدت زیادی دوام خواهد کرد. ما همه صمیمانه امیدوار هستیم که این قرارداد در راه تأمین منافع اقتصادی و آسایش ایران و سایر ملل مربوطه کمک قابل‌دوامی خواهد نمود.

اعلامیه مشترک

آقای دکتر علی امینی وزیر دارایی رئیس هیئت نمایندگی ایران و آقای هوارد پیچ رئیس هیئت نمایندگی شرکتهای عضو کنسرسیوم اعلامیه مشترک زیر را در مورد مذاکرات جاری نفت صادر نمودند:

دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران و نمایندگان کنسرسیوم مرکب از ۸ کمپانی نفت در تکتات ضروری که به موجب آن نفت ایران به مقدار قابل توجهی به بازارهای دنیا جریان خواهد یافت توافق حاصل نمودند.

قسمتی از اساس موافقتنامه با کنسرسیوم حل مسئله غرامات مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس (که سابقاً در ایران عمل می‌کرده است) بوده که در این مورد اعلامیه جداگانه‌ای صادر شده است.

موافقتنامه مذکور باید اینک به صورت قانونی درآید. یعنی پس از آنکه به تأیید هیئت‌مدیره کمپانیهای شرکت کننده و امضای طرفین رسیده به مجلسین ایران برای تصویب تقدیم خواهد شد و پس از تصویب مجلسین مزبور به توشیح ملوکانه خواهد رسید.

پیش‌بینی می‌شود که انجام عملیات مزبور تقریباً مدت دو ماه طول خواهد کشید و بعد از آن مقدار قابل توجهی نفت ایران دوباره از یتادر بزرگ آبادان و معشور به مقصد مراکز تصفیه و مصرف جهان پارگیری خواهد شد و در این فاصله کارهای مقتضای برای تجدید فعالیت انجام خواهد گرفت.

۱- دوشرکت عامل برآی بهره‌برداری از مناطق نفتخیز و تصفیه‌خانه تشکیل خواهد یافت. شرکتهای مزبور حقوق و اختیارات لازم را از دولت ایران و شرکت ملی نفت

دریافت خواهند داشت و این حقوق و اختیارات را از طرف دولت ایران و شرکت ملی نفت تا حدی که در قرارداد تصریح خواهد شد اعمال خواهند نمود.

شرکتهای عضو کنسرسیوم بهای نفت صادراتی را به شرکت ملی نفت پرداخت نموده و نفت خام و محصولات نفتی را خواهند فروخت. در قرارداد پیش بینی شده است که شرکت ملی نفت بتواند بجای دریافت وجوه نقد تا میزان ۱۲ و نیم درصد مجموع صادرات نفت خام را دریافت نماید. همچنین نفت تصفیه شده برای مصرف داخلی ایران عملاً به بهای تمام شده در اختیار شرکت ملی نفت ایران گذارده می شود.

مدت قرارداد ۲۵ سال است و طبق شرایط معینی قابل تمدید برای سه دوره ۵ ساله خواهد بود. در نتیجه توسعه عملیات مجموع درآمد مستقیم ایران از بابت مبالغی که به شرکت ملی نفت ایران پرداخته خواهد شد و همچنین وجوهی که بابت مالیات بردارند ایران تأدیه می شود در ظرف سه سال اول (پس از یک دوره مقدماتی سه ماهه) به ۱۵۰ میلیون لیره تخمین می شود. این مبلغ بر اساس قیمتها و هزینه های تولید کنونی برآورد شده است.

رقم برآوردی در سال اول عملیات ۳۶ میلیون لیره و در سال سوم به ۶۷ میلیون لیره بالغ خواهد گردید. شرکت ملی نفت ایران حوزه های نفت شاه و تصفیه خانه کرمانشاه را کماکان برای تولید مقداری از احتیاجات ایران اداره خواهد نمود. پخش مواد نفتی در ایران کلاً به عهده شرکت ملی نفت خواهد بود.

۲- بعلاوه شرکت ملی نفت ایران عهده دار مستقیم عملیاتی خواهد بود از قبیل آموزش صنعتی، حمل و نقل عمومی، راهسازی، خانه سازی، بهداشت، رفاه اجتماعی و همچنین هرگونه عمل دیگری که ارتباط مستقیم با بهره برداری و تصفیه نفت نداشته باشد.

قسمت عمده هزینه های مربوط به این عملیات از طرف شرکتهای عامل به شرکت ملی نفت مسترد خواهد شد و همکاری نزدیکی بین شرکت ملی نفت و شرکتهای مزبور برقرار خواهد بود.

میزان تولید نفت خام ایران پس از یک دوره سه ماهه از آغاز عملیات به تدریج اضافه شده و در ظرف مدت سه سال اول به مقدار ۸۰ میلیون متر مکعب بالغ خواهد گردید (۶۸ میلیون تن یا ۵۰۰ میلیون بشکه) به علاوه ۵۰ میلیون متر مکعب در ظرف سه سال برای مصرف داخلی تولید خواهد شد.

۳- از سال سوم به بعد خط مشی اعضای کنسرسیوم با توجه به مساعد بودن اوضاع اداری و اقتصادی ایران بر این اساس خواهد بود که میزان تولید خود را در ایران با مقداری که از لحاظ وضع عرضه و تقاضای نفت خام در خاورمیانه متصفانه میسر باشد وفق دهند.

عملیات تصفیه در آبادان به مقادیر قابل توجهی هر چه زود، تجدید خواهد شد. در این مورد نیز پیش بینی می شود که پس از یک دوره موقتاتی سه ماهه مجموعاً در حدود ۳۵ میلیون متر مکعب (۳۰ میلیون تن یا ۲۲۰ میلیون بشکه) نفت خام در ظرف ۳ سال اول عملیات برای صدور تصفیه خواهد شد. از این مقدار در حدود ۱۵ میلیون متر مکعب (۱۳ میلیون تن یا ۹۴ میلیون بشکه) در ظرف سال سوم تصفیه خواهد شد که به این ترتیب محصول آبادان بار دیگر از همه مراکز تصفیه نیم کره شرقی بیشتر خواهد بود با آنکه در ظرف سه سال اخیر در وسایل تصفیه این ناحیه افزایش زیادی حاصل شده است. دو شرکت عامل را کنسرسیوم تأسیس خواهد نمود و این شرکتها عملیات خود را در حدود حوزه مشخصی در ایران انجام خواهند داد.

یکی از این شرکتها متصدی کارهای اکتشاف و استخراج و دیگری متصدی پالایش خواهد بود. این شرکتها در ایران به ثبت خواهند رسید و مراکز اداره و عملیات آنها در ایران خواهد بود ولی بر طبق قوانین کشور هلند تأسیس می شوند.

هر یک از دو شرکت عامل دارای هفت مدیرعامل خواهند بود که دونفر از آنها از طرف ایران و پنج نفر از طرف کنسرسیوم انتخاب خواهند شد. اطلاعات و دفاتر مربوط به عملیات شرکتها در دسترس دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران خواهد بود.

در نظر است که کنسرسیوم از کمپانیهای مذکور زیر تشکیل شود:

شرکت گالف اویل - شرکت سوکونی و اکیوم - شرکت استاندارد نیوجرسی - شرکت استاندارد کالیفرنیا - شرکت تکاس - شرکت نفت انگلیس و ایران - شرکت نفت فرانسه و شرکت رویال داچ شل.

اعلامیه مشترک هیئتهای نمایندگی ایران و انگلستان در خصوص غرامات:

در طی مذاکرات صمیمانه و دوستانه ای که در موضوع غرامات به عمل آمد کلیه دعاوی و مطالبات متقابل طرفین مورد مطالعه دقیق قرار گرفت نسبت به این موضوع که جزئی از حل عمومی مسئله نفت می باشد دولت ایران موافقت نمود که فقط ۲۵ میلیون لیبره ظرف مدت ده سال بدون بهره به عنوان غرامت به شرکت نفت ایران و انگلیس که سابقاً در ایران عمل می کرد پردازد ولی پرداخت قبل از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۷ (دو سال و پنج ماه دیگر) شروع نخواهد شد.

در تعیین این قیمت تأسیسات پخش داخلی و پالایشگاه کرمانشاه و ناحیه نفت شاه و اختلالاتی که بر اثر عدم موفقیت طرفین در مورد حل اختلافات ناشی از ملی شدن صنعت

نفت در سال ۱۳۳۰ در کار شرکت مزبور و همچنین اختلالی که به همان علت در اقتصادیات ایران رخ داده در نظر گرفته شده است.

این توافق توأم با قراردادی که با کنسرسیوم منعقد می‌گردد به اختلاف دیرینه‌ای خاتمه می‌دهد و امید است که به این وسیله دوره جدیدی در روابط دو کشور ایران و انگلستان شروع گردد.

اعلامیه راجع به طرز پرداخت

۱- دولت ایران و دولت انگلستان اصولاً نسبت به ترتیباتی که درباره تنظیم پرداختها بین ایران و گرده لیره برقرار و پس از تصویب قرارداد نفت با کنسرسیوم به موقع اجراء گذاشته خواهد شد به طور کلی توافق نموده‌اند.

۲- به موجب این ترتیبات کلیه معاملات متجمله معاملات کنسرسیوم با ایران و شرکت ملی نفت ایران در حال عادی با لیره استرلینگ به عمل خواهد آمد و دولت انگلستان سعی خواهد کرد اقدامات لازم به عمل آورد که دولت ایران از مزایای حساب قابل انتقال کاملاً استفاده نماید. همچنین دولت انگلستان تعهد کرده است که برای ایران در مساله تبدیل لیره به دلار تسهیلات فراهم سازد.

۳- هر چند اجرای این ترتیبات موقوف به تصویب قرارداد نفت می‌باشد معذک دولت انگلستان. تعهد نموده است که به عنوان یک اقدام مخصوص تفضیحاتی را که در پرداخت لیره بین ایران و کشورهای خارج از حوزه دلاری هنوز موجود است فوراً رخص کند.

در دنبال اعلامیه نهایی مربوط به نفت که در ضمیمه ۱ به نظر رسید، مناسب دیدم که اظهار نظر غارتگران و چپاولگران این متاع را که از طرف رؤسای دولتها و روزنامه‌های وابسته به آن غارتگران اظهار شده بیاورم!

واشنگتن (رویتز) - آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا طی پیامی که به مناسبت حل مسئله نفت ایران به اعلیحضرت همایونی ارسال داشت از توافقی که در مورد مسئله نفت حاصل شده ابراز خوشوقتی نموده و اظهار داشت که حل مسئله نفت آغاز یک دوره جدید در پیشرفت اقتصادیات ایران به شمار می‌رود و اضافه کرد که این امر قدم مهمی در راه دوستی بین المللی محسوب می‌شود.

آیزنهاور در پیام خود موافقت‌هایی را که بین دولت ایران و شرکتهای نفت آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی حاصل شده است نشانه وجود دوستی بین آمریکا و ایران دانسته و می‌گوید که این امر نشان می‌دهد که دولت آمریکا خواهان آن است که دولت ایران به طور آزاد و مستقل در بین خانواده ملل آزاد پیشرفت و ترقی نماید.

رئیس جمهور آمریکا در پیام خود اضافه کرده است که دولت آمریکا حتی المقدور سعی کرده است که آزار کمکهای اقتصادی و فنی به ایران مساعدت نماید و از اینکه این مساعدت‌ها به حل مسئله نفت کمک نموده است بسیار خورسند است.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه پرزیدان آیزنهاور طی پیامی که برای اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران فرستاده و شب پنجشنبه انتشار یافت می‌گوید: «خبر مهمی که به موجب آن دولت شما طی مذاکره با کمپانیهای نفت انگلیسی، فرانسوی، هلندی و آمریکایی به توافقی صحیح و متصفانه درباره مسائل مشکل مربوط به نفت ایران رسیده

۱- مستخرج از صفحات ۱ و ۲ روزنامه کیهان، شماره ۳۳۵۰، شب ۱۶ مردادماه ۱۳۳۳.

۲- دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تألمات می‌فرماید: همان کسی که یک ملت را به قیمت ۴۰٪ متاع نفتی ایران به نفع شرکتهای نفتی آمریکا فروخت.

موجب خوشوقتی است. من معتقدم که اجرای این قرارداد تحت توجهات و هدایت آن اعلیحضرت مقدمه یک دوران جدید ترقی و ثبات برای کشور شما خواهد بود. تمام آمریکایی ها، مانند خودم علاقه و توجه عمیقی نسبت به آسایش ایران دارند. من با ملت آمریکا کوششهای شجاعانه و پایداری و استقامت اعلیحضرت را در سالهای اخیر از نزدیک تعقیب کرده و مورد توجه قرار داده‌ام.

من و ملت آمریکا امیدواریم که اعلیحضرت بتوانند به هبفی که از صمیم قلب آرزوی نیل به آن را دارند برسند. عقد قرارداد نفت ایران طبق اصولی که منتشر شده باید یک قدم عمده در راه اجرای امیال و آرزوهای ملت شما تلقی گردد. این یک نشانه کامل دوستی بین دو کشور ایران و آمریکا و علاقه و آرزوی ما به این است که ایران را در جرگه خانواده ملل آزاد جهان شرقی و مستقل ببینیم. ما سعی کرده‌ایم که در اعطای کمک اقتصادی و فنی به ایران مفید باشیم و خوشوقتیم که توانستیم برای پیدا کردن راه حل مسئله نفت کمک کنیم.

من می‌توانم به اعلیحضرت اطمینان دهم که آمریکا علاقه و توجه مداوم و دوستانه‌ای نسبت به ایران دارد و ملت آمریکا هدایت و راهبری خردمندانه و توأم با واقع بینی اعلیحضرت را می‌ستاید.

مطبوعات لندن و حل مسئله نفت

لندن (رویتر) - توافقی که بین دولت ایران و کنسرسیوم دربارہ نفت حاصل شده است روی هم رفته مورد تأیید مطبوعات انگلیس قرار گرفته است. روزنامه تایمز می‌نویسد که امضای این قرارداد به اختلافات شدید و بی‌نتیجه‌ای که بین دو کشور موجود بود خاتمه خواهد داد. ایران اگر فقیر بماند دستخوش اغتشاشات داخلی و مورد حمله خارجی قرار خواهد گرفت.

عرضه داشتن مجدد نفت ایران در بازارهای بین‌المللی مستلزم مطالعه و دقت زیاد بوده است. تا آنجایی که از اعلامیه‌های دیروز استنباط می‌شود طرز کار دستگاه‌های جدید تولید و فروش نفت به اندازه‌ای دقیق و از روی اصول فنی تهیه شده که اثرات آن که به نفع طرفین می‌باشد ممکن است در نظر اول مشهود نگردد.

برای اینکه روشن شود چگونه لزوم توجه به احساسات ملی ایران با مقتضیات اقتصادی و با دعاوی شرکت (سابق) نفت ایران و انگلیس وفق داده شده است، توضیحات کاملتری باید در تهران و لندن داده شود.

در این معامله باید گفت که زیان متوجه خزانه داری انگلستان شده است زیرا در

گذشته روی هم رفته هر سال در حدود ۵۰ میلیون لیتر استرلینگ از بابت شرکت نفت ایران و انگلیس عاید انگلستان می‌گردید و البته در آینده چنین درآمدی عاید خزانه داری انگلستان نخواهد شد، ولی از آنجایی که سودی که انگلستان در سابق می‌برد به مراتب بیش از عایداتی بود که نصیب ایران می‌گردید، این موضوع یکی از موارد اعتراض ایران محسوب می‌شد بنابراین فداکاری انگلستان در این مورد موجه خواهد بود مشروط بر این که قرارداد به نتیجه مثبت برسد.

روزنامه منچستر گاردین معتقد است که روی هم رفته شرایط توافق بین طرفین رضایت بخش می‌باشد. روزنامه مذکور می‌نویسد که از این پس ایران دارای یک عایدات معتنابهی خواهد شد و در نتیجه ممکن است اوضاع این کشور تثبیت گردد و در این صورت اوضاع خاورمیانه روشنتر خواهد شد و این امر البته یک پیشرفت محسوسی به شمار می‌رود. روزنامه مذکور اضافه می‌کند که توافقیهای حاصله شاید زیاد هم باعث افتخار انگلستان تلقی گردد زیرا موفقیت انگلستان آن طوری که قلمداد می‌شود مزهون مهارت دیپلمات‌های انگلستان نمی‌باشد بلکه علت این موفقیت پشتیبانی آمریکا از سیاست انگلستان بوده است.

روزنامه (دبلی اکسپرس) که از جراید دست راست پشمار می‌رود اشاره به اعلامیه دیروز کرده و درباره غرامت می‌نویسد: حقیقتاً جای بسی تأسف است که بزرگترین غارتی که در تاریخ سابقه نداشته است در مقابل پرداخت ۲۵ میلیون لیتر آن هم در ظرف ده سال که آغاز آن سه سال دیگر شروع می‌شود، صورت قانونی به خود بگیرد و این غرامت هم از محل همان غارت و دزدی پرداخت شود.

سپس روزنامه مذکور اشاره به اوضاع عراق نموده و می‌نویسد: در آنجا هم دولت جدید در نظر دارد انگلیسها را از پایگاههای هوایی که در آن کشور دارند اخراج نماید. روزنامه محافظه کار دبلی تلگراف پس از اشاره به اوضاع معشوش اقتصادی ایران می‌نویسد که: انگلستان در مورد مسئله نفت از این جهت متعطلی گذشتهایی شده است که دولت ایران را حاضر به امضای قرارداد نماید ولی این گذشتهها را نباید نه از لحاظ مالی و نه از لحاظ لحظه ای که به حیثیت و پرستیژ انگلستان وارد می‌آورد کوچک شمرد. معذک اگر هدف نهایی که استقرار وضع سیاسی ثابتی در ایران و اصلاح اقتصادیات آن کشور می‌باشد، تحقق یابد گذشتهایی را که انگلستان تحمل نموده موجه خواهد بود.

روزنامه فاینانشال تایمز معتقد است که توافقیهای حاصله برای طرفین رضایت بخشی می‌باشد و از این توافقیها هم انگلستان و هم ایران و هم خاورمیانه بطور کلی متمتع می‌شوند.

حل مسئله نفت ایران و دفاع خاورمیانه

دولت ایران باید از اینکه در وضع حاضر بازار نفت به او قول داده شده است که در ظرف سه سال ۶۸ میلیون تن از محصول نفت خام و تصفیه شده او را در بازارهای جهان به فروش برسانند خرسند باشد. از لحاظ خاورمیانه حل مسئله نفت ایران اهمیت سوق الجیشی زیادی دارد زیرا حلقه جدیدی به زنجیری که از منطقه سوئز به پاکستان وصل می شود افزوده می گردد و مسائل نزدیکی بین دول غربی و خاورمیانه را فراهم می سازد.

روزنامه فاینانشال تایمز سپس جنبه اقتصادی و بازرگانی حل مسئله نفت را مورد بحث قرار داده و می نویسد که بر اثر این توافق کشورهای همسایه ایران متوجه خواهند شد که مصادره بدون پرداخت غرامت و دو سال ونیم ستیزه جویی سهوی عاید کسی نمی سازد.

برای دولت انگلستان از دست دادن یکی از بزرگترین مناطق نفت خیز خاورمیانه که تا سال ۱۹۵۶ به دست شرکت نفت ایران و انگلیس اداره می شد، زیان کوچکی نیست ولی جای خوشوقتی است که شرکت نفت ایران و انگلستان توانست مؤسسات ذیقیمت خود را از خطر خرابی نجات دهد. سهم شرکت نفت ایران و انگلیس در کنسرسیوم چهل درصد می باشد و این یکی از مزایایی است که در حق او منظور گردیده است.

بعلاوه بهره برداری مجدد، از یکی از منابع مهم نفت جهان با مال موفقیت شایانی محسوب می شود.

روزنامه محافظه کار یورکشایر پست می نویسد که: پرداخت ۲۵ میلیون لیره یا مقایسه با اموال مصادره شده بی نهایت ناچیز به نظر می رسد ولی با توجه به قلت بودجه ایران این مبلغ متصفانه می باشد. موضوع قابل توجه این است که چگونه شرکت (سابق) خواهد توانست تحصیل سود نماید. این قضیه بستگی به قیمت نفت در سالهای آینده دارد. هر قدر شرکت (سابق) زیان بدهد به همان اندازه دولت ایران سود خواهد برد ولی موضوع را نباید فقط از لحاظ مقدار لیره و شیلینگ قضاوت نمود، جنبه سیاسی آن را نیز باید در نظر گرفت.

طبق این توافقیها عواید دولت ایران افزایش خواهد یافت. از آنجایی که در این قرارداد احساسات ملی ایران مورد توجه قرار گرفته است می توان امیدوار بود که این توافقیها پایدار خواهند ماند. در صورتی که این قرارداد پایدار بماند رفته رفته ملت ایران درک خواهد کرد که مصالح سیاسی او ایجاب می نماید که به کشورهای غربی که پشتیبان کنسرسیوم می باشند متمایل شود.

لندن (خبرگزاری فرانسه) - مطبوعات دیروز صبح لندن در تفسیرهایی که به مناسبت حل مسئله نفت ایران انتشار داده اند می‌گویند: نتیجه اساسی توافقهایی که بر سر نفت ایران شده این است که ایران مجدداً و با ثبات و استحکام بیشتری با دول غرب همکاری کرده و به نظر می‌رسد که به طور قطع از تسلط کمونیزم نجات پیدا نموده است.

فاینانشال تایمز می‌نویسد: قرارداد از همه جهات برای انگلستان، خاورمیانه و حتی ایران کاملاً رضایتبخش است. از نظر خاورمیانه اهمیت این قرارداد از لحاظ سوق الجیشی است. این قرارداد حلقه جدیدی به زنجیری که از سوئز به پاکستان کشیده شده می‌افزاید. این قرارداد را می‌توان مرحله جدیدی در بهبود وضع عمومی روابط دنیای غرب با خاورمیانه تلقی کرد و با عربی سعودی بر سر وازه بورمی و حل مسئله کاتال سوئز نیز تأثیر فراوانی داشته است.

مزایای طرفین هنوز به درستی معلوم نیست

تفصیلی که تا به حال راجع به قرارداد نفت ایران داده شده به طور صریح و روشن مزایای نادری طرفین را معلوم نمی‌کند معذالک می‌توان گفت که با این قرارداد خزانه داری انگلیس قربانی شده است زیرا سالانه ۵۰ میلیون لیره از شرکت (سابق) نفت انگلیس و ایران بابت نفت ایران عاید خزانه داری کل می‌گردید. ولی چون این مبلغ که از سهم دریافتی ایران بیشتر بود یکی از موارد اعتراضی قانونی مردم ایران به شمار می‌رود، قربانی شدن منافع خزانه داری کل انگلیس اجتناب ناپذیر بود.

تایمز لندن می‌نویسد اگر این قرارداد به نتیجه برسد باید آن را موجه دانست. دیلی اکسپرس مدافع امپراطوری بریتانیا می‌نویسد چگونه پرداخت ۲۵ میلیون لیره خسارت آن هم طی ده سال می‌تواند جبران بزرگترین غارت تاریخ را نماید. دیلی اکسپرس ادامه می‌دهد اخباری را که از عراق می‌آید بخوانید و ببینید که حکومت جدید عراق چگونه می‌خواهد موضوع پایگاههای هوایی انگلیس را در خاک عراق مورد بحث قرار دهد. عراق راهی را که مصر در مورد سوئز رفت می‌پیماید، سوئز به دنبال آبادان قدم برداشت و آبادان در طریقی که هند رفت عمل کرد و این وضع مادام که انگلستان ضعف و سستی را از خود دور نکرده و قدرت سابق را باز نیافته ادامه خواهد داشت.

استقبال جراید انگلیسی

لندن - یونایتد پرس - قرارداد مربوط به حل مسئله نفت ایران که روز پنجشنبه گذشته در تهران به امضاء رسیده از طرف کلیه جراید انگلیسی مورد استقبال شدید قرار گرفته

و کلیه روزنامه‌های انگلیسی تفسیرهایی درباره آن منتشر ساخته‌اند.

تفسیر تایمز

روزنامه مستقل تایمز لندن می‌نویسد: با اعضای این قرارداد به مناقشات سخت و بی‌فایده بر سر مسئله نفت ایران پایان داده شده و این مناقشات سبب شده که اوضاع داخلی ایران دستخوش تشنج‌های زیاد بشود و از خارج نیز حمله‌هایی به ایران صورت گیرد و البته حل مسئله نفت ایران نیز کار مشکلی بوده که مدت‌ها وقت صرف آن شده زیرا که این مسئله بسیار پیچیده و مبهم بوده است.

روزنامه تایمز اضافه کرد که وضع نفت ایران در آینده در اعلامیه‌های صادره در تهران به قدری خلاصه شده که در نظر به اشکال می‌توان پی برد که این راه‌حل برای هر یک از طرفین دارای چه مزایایی است و از توضیحاتی که بعداً در تهران و لندن داده خواهد شد معلوم خواهد گردید که چطور ادعاهای ایران در مورد ملی کردن صنایع نفت با اوضاع اقتصادی کنونی و حقوق شرکت (سابق) نفت ایران و انگلیس در این قرارداد با یکدیگر آشتی داده شده است.

ضرر خزانه انگلیس

به هر حال خزانه انگلیس بیش از دیگران در این گیرودار ضرر کرده زیرا از این ممر، سالانه پنجاه میلیون لیره عاید خزانه انگلیس می‌شده ولی از این پس دیگر شرکت (سابق) نفت ایران و انگلیس نمی‌تواند چنین مبلغی را از بابت درآمدش از نفت ایران به خزانه انگلیس بپردازد. اما چون این مبلغ خیلی بیشتر از سود ایران از صنایع نفت بوده و باعث هیجان ملیون ایران گردیده انگلیس جز قبول قرارداد جدید چاره‌ای نداشته و لازم بوده در این مورد فداکاری کند.

مقاله منچستر گاردین

روزنامه منچستر گاردین ارگان حزب لیبرال انگلیس ضمن تفسیر قرارداد نفت ایران می‌نویسد: مواد این قرارداد مواد خوبی است و گرچه میزان غرامتی که به شرکت (سابق) پرداخت خواهد شد زیاد نیست ولی چون شرکتهای خارجی باید توسط کنسرسیوم نفت خریداری کنند این امر از نظر اقتصادی و مالی به نفع آنهاست. منچستر گاردین آنگاه می‌نویسد: اکنون ایران می‌تواند امیدوار باشد که در آمد رضایت‌بخشی از نفت خود به دست خواهد آورد و اکنون سیاستمداران ایران با اتخاذ سیاست متین و با پشتیبانی رهبران ارتشی و

راهنمایی اعلیٰ حضرت پادشاه ایران به خوبی می‌توانند به اوضاع این کشور مرسوم‌مانی بدهند و این اوضاع را تثبیت کنند و البته در این صورت حفظ امنیت و آرامش خاورمیانه نیز آسانتر خواهد گردید و این به نفع نفعیای آزاد و سیاست عمومی انگلیس خواهد بود.

متجسسگر گاردین آنگاه به پیام تبریک وزارت امور خارجه انگلیس که به دولت ایران مخابره شده اشاره کرده و می‌نویسد: ارسال چنین پیام تبریکی لازم نبود زیرا اصولاً مناقشات نفت ایران یک داستان حزین انگیز می‌باشد و اینکه ایران در آخرین مرحله با یک راه‌حل عاقلانه موافق است عفتش دیپلماسی و مهارت سیاسی انگلیس نبوده بلکه علت این امر آن بوده که اولاً آمریکا در این قضیه از انگلیس پشتیبانی می‌کرده و ثانیاً انگلیس دارای اقتصادیات نیرومندتری از ایران بوده است.

روزنامه کیهان در سرمقاله روز شنبه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۳۳ تحت عنوان: **بزرگترین**

غارث تاریخی!! می‌نویسد:

روزنامه ارتجاعی دیلی اکسپرس چاپ لندن به مناسبت انتشار قرارداد نفت چنین می‌نویسد: «حقیقتاً جای بسی تأسف است... که در صفحه ۴ با عنوان خود دیلی اکسپرس که نوشته ام... روزنامه کیهان بر حسب اوضاع و احوال به مصلحت روز جوانی می‌دهد و انگلیسیها را غارتگر معرفی می‌کند. به مناسبت وارد شدن به لایحه دکتر مصدق و دفاع از حکومتش یادی از آن ایام می‌کنم:

روز بد و حزین آورده: روزنامه دیلی اکسپرس می‌نویسد: روز امضای قرارداد نفت ایران «روز بد و حزین آوری است» زیرا در چنین روزی به بزرگترین دزدیهایی که در تاریخ صورت گرفته (مقصود ملی شدن نفت ایران است!!) صورت قانونی داده شده و موافقت گردیده که در ازاء آن فقط ۲۵ میلیون لیره در ظرف ده سال آن هم از سه سال دیگر و باز آن هم قابل پرداخت از درآمد امواک مسروقه پرداخت شود.

از این عبارت و این عنوان مفهوم خاصی دزدی و غارت از زبان روزنامه مزبور برآید آن داشت که از کتابهای خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران چاپ سال ۱۳۵۷ و نقدی بر کتاب سیاه و یا خط سیاهی بر کتاب سیاه سال ۱۳۶۰ هر دو به قلم دکتر شمس‌الدین امیرعلانی مطالبی را بیاورم و خواننده محترم دزد را بشناسد. صفحات ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۶ کتاب خلع ید سال ۱۳۵۷.

لوله‌های مخفی نفت:

... در تعقیب خبر منتشره در روزنامه‌ها مبنی بر وجود لوله‌ای مخفی حامل نفت که محصول نفت تأسیسات کرمانشاه را به کشور عراق می‌برده است در تاریخ ۲۰/۳/۱۳۳۰

آقای محمود شریفی کارمند اداره پست و تلگراف خرمشهر کتباً مراتب زیر را به آقای امیرعلائی اطلاع داد:

«اینجانب در شهریور ۱۳۲۰ به سمت بازنویس در کشتیرانی گری مکنزی مشغول کار بوده‌ام. در ساحل کارون و شط العرب مشاهده نمودم دوتا علامت خطر نصب شده و در ساحل شط العرب در نزدیکی جزیره چارقه از آب بیرون می‌آید و داخل خاک عراق می‌شود. پس از خیر دزدیده شدن نفت در کربانشاه، بنده آگاه شدم که ممکن است این لوله‌ها نیز از آن قبیل باشند. اگر مایل باشید حاضریم شخصاً راهنمایی کنم. چون در سال ۱۳۲۱ در اداره پست و تلگراف خرمشهر مشغول انجام وظیفه شدم، دیگر اطلاعی در دست ندارم. قبل از شهریور ۱۳۲۰ قشون انگلیس در خاک عراق و بصره متمرکز بود این چند رشته لوله را برای مصرف و مسائل نقلیه قشون انگلیس برده‌اند».

در این خصوص دستورات لازم به تیمسار دریادار شاهین داده شد و پس از تحقیقات لازم در تاریخ ۱۳۳۰/۳/۳۰ اعلام داشتند که دو لوله یکی نفت سفید یا بنزین و دیگری نفت سیاه در کنار جاده آبادان- خرمشهر عبور و در مجاورت مزرعه نمونه (دبیری فارم) از تخته شط العرب به خاک عراق می‌رود. مراتب به جناب آقای نخست‌وزیر اطلاع داده شد و بعداً هیئت مدیره موقت دستور جلوگیری از صدور نفت را داد.

به طوری که خواننده عزیز ملاحظه می‌فرماید، لوله‌های مزبور قبل از وقایع شوم سوم شهریور با آن صورت مخفیانه به خاک عراق کشیده شده است که نیروی انگلیسی را برای حمله بر خاک ایران تجهیز کند و با نفت و بنزین کشور ما، تانکها و زره‌پوشها و طیارات نیروی مهاجم، سربازان و مردم بی‌پناه ایران را آماج گلوله‌های خود قرار دهد و به طوری که همه می‌دانیم در سوم شهریور ارتش ما، که صاحب حقیقی نفت هستیم، به علت فقدان نفت و بنزین فلج گردید و در تمام کشورهای یک قطره نفت و بنزین برای رفع احتیاجات عادی مردم یافت نمی‌شد.

نامه‌ای در تاریخ ۱۳۳۰/۳/۲۰ به امضای آقای محمود شریفی کارمند پست و تلگراف و تلفن خرمشهر خطاب به هیئت مدیره موقت و هیئت اعزامی از مرکز واصل گردید که عیناً نقل می‌کنم:

تاریخ ۱۳۳۰/۳/۲۰

آقایان هیئت مدیره موقت نفت ملی ایران و هیئت اعزامی از مرکز با کمال احترام به عرض مبارک آن جنابان می‌رساند چون جنبشی برای ملی کردن نفت در تمام افراد ایرانی پیدا شده و با عزم راسخ به پای جان کوشش و تقلا خواهند نمود نفت

را پس از پنجاه سال غارتگری از دست غارتگران انگلیسی بگیرند، اولین قدم آن برداشته شده و به خواست خداوند متعال و پشتکار شما و پشتیبانی ملت مستعبدۀ ایران، این امر حیاتی به وجه احسن برگزارد خواهد شد. بر هر فرد ایرانی واجب و لازم است که در این مبارزه ملی و امر حیاتی همکاری نمایند. و پرده نرسوایی و دزدی و غارتگری های آنان بالا بزنند. اینک بنده به سهم خود اطلاعاتی که دارم به سمع اولیای امور می‌رساند:

بنده در شهریور ۱۳۲۰ به سمت بارنویسی در کشتیرانی گری مکنزی مشغول بودم. در ساحل شط کارون و شط العرب که سرحد ایران و عراق باشد، مشاهده شد که تابلو علامت خطر در ساحل کارون و شط العرب نصب شده و روی آن نوشته شده «لنگر انداختن کشتی قندغن است» و در زیر آن تابلوها از سمت ایران چند رشته لوله ده اینچی از ساحل کارون وارد شط شده عبور نموده در ساحل شط العرب نزدیک جزیره ای موسوم به «جارت» از آب بیرون آمده و داخل خاک عراق می‌شود. پس از خبر دزدیده شدن نفت در کرمانشاه، نفت شاه مرز ایران و عراق، بنده را آگاه ساخت و چنین تصور نموده که این چند رشته لوله هایی که از کارون عبور داده شده محتوی نفت یا بنزین بوده که به خاک عراق انتقال داده، بدین وسیله نفت دزدی می‌شود. این است که به عرض عالیجنابان می‌رساند تحقیق فرمایند و چنانچه مایل باشند، برای راهنمایی به محل مذکور آمده و قضیه را کشف فرمایند. در خاتمه چون از سال ۱۳۲۱ در اداره پست و تلگراف و تلفن خرمشهر مشغول انجام وظیفه شدم، دیگر اطلاعی از آن در دست ندارم. بنده از روی این لحاظ عرض می‌کنم چون قبل از شهریور ۱۳۲۰ قشون انگلیس در خاک عراق و بصره متمرکز بوده، این چند رشته لوله های نفت را برای مصرف و سائل نقلیه قشون انگلیس برده شده اصلاً از این راه تا کنون نفت و بنزین و سایر مواد نفتی را دزدیده اند و میدزدند. البته تحقیقات و دنبال نمودن آن بسته به مأموریت آن هیئت می‌باشد و باید این قضیه کشف گردد.

جان‌نثار محمود شریفی کارمند پست و تلگراف و تلفن خرمشهر

پس از وصول این نامه رسماً به دربار شاهین شرحی نوشتم که تحقیقات نموده و نتیجه را اطلاع دهد. ایشان نامه ذیل را به اینجانب نوشتند:

شماره: ۴۰۵۳/ذ م

شیر و خورشید

تاریخ: ۳۰/۳/۳۰

وزارت جنگ

محرماتہ مستقیم

جناب آقای امیر علائی: نماینده فرق العاده دولت و امتاندار استان ششم

محترماً به استحضار عالی می‌رساند در اجرای تحقیقاتی که استعمال فرموده اند اینک گزارش شده است که طبق اطلاع و تحقیقات معنوله دولوله یکنی برای نفت سفید یا بنزین و دیگری نفت سیاه از کنار جاده آبادان و خرمشهر عبور و در مجاور مزرعه نمونه «موسوم به دیری فارم» از تہ شط العرب به خاک عراق می‌رود.

دریا قار شاهین

م/۳۶۸.

۳۰/۴/۲

پس از وصول این جواب دستور قطع لوله‌های مذکور را دادم و به این ترتیب به دزدی نفت و بنزین که پس از سالها برای مصرف هواپیمایی انگلستان Royal Air Force به طور قاچاق استفاده می‌شد و حتی در بیلان شرکت سابق هم مالیات پرداخت نشده و ذکر نمی‌شد، خاتمه دادم. در این خصوص مجله دنیا با درج گزارشنامه فوق شرحی خطاب به آقای دکتر امینی وزیر دارایی که در آن موقع با همیسیون گسترسیوم نفت وارد مذاکره برای انضواء قرارداد بود و به اجتناح مطالبه غرامات را هم می‌نمود (در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۳۳ سال دهم دوره دوم شماره ۲۴۱) نوشت که روز بعد مجله توقیف شد و آقای طباطبائی مدیر مجله بعداً به من اظهار داشتند که خود ایشان را هم توقیف کرده‌اند. عنوان مقاله این بود؛ چگونگی پس از چند روز جستجو و تفحص ناخدایان و ناویان‌های نیروی دریایی ایران لوله‌های مخفی نفت را کشف نمودند... الخ.



توله معفی لغت که شبانه از زیر خاک بیرون کشیده شد..

روزنامه کیهان ۲۰ مرداد ۱۳۷۰

<http://www.chebayadkard.com/>

دین برزخ حفظ دلمر معنی و کلام
ببینید چه در کتب کتب کتب کتب

<http://www.chebayadkard.com/>

هفته‌ها و ماه‌ها می‌گذرد و اثر رسیدگی به پرونده دکتر مصدق خبری نمی‌رسد. علی‌رغم لویج تند و شکوه‌ها و اعتراض‌ها حتی در حد ناسزاگویی، شیرپیر همچنان در بند است و در کارش درمانده‌اند. از دربار به دیوانکشور فشار می‌آورند که زودتر کار را تمام کند و حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی تأیید گردد. دکتر مصدق طی لویج و مکاتبات با رئیس دیوانکشور و دیوانکشور، دستگاه قضایی را تحت فشاری قرار می‌داد که دست کم نمی‌شد گرفت. میرزا علی لقا هیئت در نهایت ناراحتی از هر طرف بخصوص اعتراضات و طعنه و کنایه زدن دوستان و آشنایان در لزوم جانبداری از دکتر مصدق و انتظار مردی و مردانگی و قانون‌خواهی در این برهه از زمان از او وعدم قدرت و شهامت هیئت.^۱

اولین نوشته از دکتر مصدق در سال ۱۳۳۴ که جزو اوراق و اسنادی است که برایم از احمدآباد فرستاده شده مینویس نامه‌ای می‌باشد که در زیر عیناً نقل می‌کنم:

زندانی لشکر ۲ زرهی ششم تیرماه ۱۳۳۴

سرکار سرهنگ فرخ‌نیا^۲

سیم برق دستگاهی که اینجانب در آن بسر می‌برم چون سالها کار کرده و زنگ زده با مختصر بادی که می‌وزد قطع و کارر و شنایی برای مدتی به تعویق می‌افتد. از فرار تحقیق مسافت این دستگاه تا محل بهداری که از بی‌سیم^۳ به آنجا برق می‌رسد در

۱- مرحوم النبیار صالح برای من تعریف کرد چند سال پس از ختم کار دکتر مصدق و بازنشستگی میرزا علی هیئت به دیدنش رفته بودم ضمن صحبت و درد دلها با تأثر در حد گریه به من گفت که در محاکمه دکتر مصدق از هر طرف تحت فشار شدید بودم. محمدرضا شاه که به دعوت دولت هندوستان به هند رفته بود، برای اینکه وانمود شود که تأیید حکم محکومیت دکتر مصدق در دیوانکشور کاملاً طبیعی است و رای آزادی تلقی گردد و توقف اعمال فشار نگردد، از هندوستان تلگرافی تأکید شده بود در شهاب محمدرضا شاه حکم محکومیت تأیید شود. ولی ابظهر نبود، مصاحبه‌ها و اعتمادات نشان داد که لیاقت ریاست دیوانکشوری همان هیئت محاکمه را داشته است و نامه‌اش پیش النبیار صالح پس ترسقوط از کار بوده، مسافرت به ترکیه هم در الزام رکاب یا شاه دلیل دیگر بر الزام رکابی بوده.

۲- فرستاده هنگ نافر و پادگان قصر و محافظ دکتر مصدق.

۳- ساختمان مرکزی سیم و مرکز رادیو در غرب پادگان قصر (زندانی دکتر مصدق) بوده.

حدود ۳۰۰ گز است و با سیصد تومان خرج می‌توان آن را اصلاح نمود. این است که منما دارم به عرض مضامین مربوطه برسد که یا مقرر فرمایند آن را اصلاح کنند و یا اجازه فرمایند اینجانب به خرج خود آن را تعمیر کنم که موجب آسایش عموم خواهد بود چون که آقایان افسران نگهبان و گروه‌بازان و سربازان همگی استفاده می‌کنند. چنانچه استفاده از این برق صلاح نیست اینجانب به خرج خود یک دستگاه برق کوچک دائر کتم. اکنون چون هوا سرد نیست در تاریکی هم می‌گذرد ولی همین که هوا رو به سردی گذاشت برای اینجانب زندگی بی‌برق غیر عملی است.^۱

هر مطلبی که در روزنامه و مجلات منتشر می‌شد و به ضرر کشور بود و یا راجع به محاکمه فرجامی و یا اتهامات خیری می‌خواند با عکس العمل شدید دکتر مصدق روبرو می‌شد و هیئت حاکمه را از طریق لایحه نویسی به دیوان کشور مورد سؤال قرار می‌داد. با تکرار مطالب قبلی که مکرر در مکرر سعی کرده بود به گوش هیئت حاکمه برساند با اعتقاد به بی‌حاصلی و عدم شنوایی هیئت حاکمه و در عین حال عالم به اینکه هر حرکت و نوشته اش الزاماً به مقامات بالای هیئت حاکمه می‌رسد و می‌رسانند. منظور دکتر مصدق هم همین بود که بتواند نظرات خود را در صلاح مسافت ناگفته نگذارد باشد. کلیه لایحه و نامه‌هایش را به وسیله دادستانی ارتش می‌فرستاد و رسید نامه‌ها را مطالبه می‌کرد و می‌گرفت. اینک لایحه ۱۳۳۴/۴/۱۹ دیوان عالی کشور:

زندان لشکر ۲ زرمی ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴

دیوان عالی کشور

در مجله سیاه و سپید^۲ شماره ۸ سال دوم خبری منتشر گردید که عیناً به استحضار می‌رسد:

«چند ماه بود که پرونده آقای دکتر مصدق در شعبه ۲ دیوان عالی کشور به حال رکود مانده بود. طبق اطلاع چند روزیست که پرونده مجدداً مورد مطالعه قرار گرفته است. گویا آقای وزیر دادگستری روی دستور صریحی که برای رسیدگی فوری پرونده‌های دادگستری داده است این پرونده نیز مورد مطالعه مجدد قرار گرفته تا تصمیم نهایی روی آن اتخاذ گردد».

۱- وضع برق نبوداری است از وضع زندان دکتر مصدق و سربازخانه.

۲- ابتدا «سپید و سیاه» نوشته، بعد خط زده و «سیاه و سپید» نوشته است.

از ۱۴ شهریور سال قبل که لایحه فرجامی خود را تقدیم نموده‌ام همیشه به این انتظار بوده‌ام که بر طبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی^۱ انحصار شوم و به دستور ماده ۴۵۱ همان قانون^۲ از خود دفاع نمایم همه دیدند که در دادگاه سنظنت آباد هر وقت خواستم از خود دفاع کنم عده‌ای از افراد باشگاه تاج^۳ چه ناسزاها که نگفتند و جرایم نوشتند که چند بار در هر دو دادگاه بدوی و تجدید نظر نظامی به سر می‌شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه دادگاه سری نشود و مردم از جریان محاکمه بیخبر نمانند به مصداق «لا یتدرک کلبه لایترک کلبه» از گفتن بعضی حقایق امساک کردم. این امساک نه از این جهت بود که ترسیدم مرا از بین ببرند، بلکه از این جهت بود که خواستم آن حقایق در دادگاهی گفته شود که در تاریخ آزادی و استقلال ایران همیشه بمانند. تا هزار مثل من در راه آزادی فدا نشوند وطن عزیز ما ایران روی آزادی و استقلال را نخواهد دید.

ماده ۴۵۸ قانون اصول محاکمات جزائی می‌گوید: «دیوان تسمیر در موارد ذیل در صورتی که حکمی را نقض کند ارجاع به محکمه دیگری نخواهد نمود و این موارد را نقض بلا ارجاع گویند».

فقره سوم از ماده مزبور یکی از موارد نقض بلا ارجاع را این طور بیان می‌کند:

«در صورتی که حکم صادر از محکمه عالی بر مجازات شخص به عنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانوناً داخل در جرم نبوده و اصلاً قابل مجازات نیست». اکنون از قضات عالی‌مقام سؤال می‌کنم: اینجانب که لایحه فرجامی خود را به دو فصل محدود نمودم که فصل اول آن مربوط «به عزل و نصب نخست وزیر است که از وظایف مجلسین شورای ملی و سناسست» و فصل دوم آن مربوط به دادگاه نظامی است که «صلاحیت ندارد نخست وزیر را محاکمه کند» و از اتهاماتی که در کیفرخواست به من نسبت داده شده حتی یک کلام دفاع ننموده‌ام تا در دیوانه‌الی کشور حضور به هم برسانم و به طور آزاد از خود دفاع بنمایم آن قضات عالی‌مقام حضور می‌توانند مرا مشمول فقره سوم از ماده ۴۵۸ بدانند یا ندانند؟

این است که درخواست می‌کنم هر وقت نوبت به پرونده اینجانب رسید از حقی که قانون به

۱- ماده ۴۵۲ (متداعین برای رسیدگی در دیوان تسمیر انحصار می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد).

۲- ماده ۴۵۱: «در روز محاکمه عضو مجتهد اوراق تحقیقیه خود را فرقت می‌نماید. متداعین یا وکلای آنان به اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند...».

۳- به سرپرستی سرگرد خسروانی که در همه جا حمایت می‌شد.

من اعطاء نموده است محروم نگینند و به دنیا ثابت نمایند که دادگستری ایران هم مثل دادگستری انگلیس نظری به جز عدالت و حق ندارد. عرایض من مطالبی نیست که بتوانم تمام را بنویسم و باید شفاهاً به عرض برسانم. اکنون قریب دو سال است که با کبر سن و ضعف مزاج و ناتوانی، زندان مجرد را تحمل نموده‌ام برای اینکه یک روز در آن دیوان حاضر شوم و آنچه راجع به بیگناهی خود دارم اظهار نمایم.

دکتر مصدق

لایحه دیگری مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۳۴ با بهره‌گیری و دست‌آویز قرارداد مندرجات مجله خواندنیها نقل از روزنامه فرمان با ضمیمه کردن رونوشت لایحه ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴ به دیوان کشور می‌فرستد.

۱۵ مرداد ۱۳۳۴ از زندان لشکر ۲ زرهی

دیوانعالی کشور

۱۹ تیرماه گذشته شرحی توسط دفتر دادستانی اداره دادرسی ارتش عرض نمود که تا کنون به جواب آن نائل نشده‌ام. چون روز قبل مجله «خواندنیها» به نقل از روزنامه «فرمان» در شماره ۹۱، سال یازدهم چنین منتشر نموده است:

«کنسب اطلاع شده که دیوانعالی کشور نظر نهایی و قطعی خود را در باب پرونده مصدق به زودی اعلام خواهد داشت. چندی قبل شعبه مأمور رسیدگی به پرونده دکتر مصدق در دیوانعالی کشور، آقای عقیلی یکی از اعضای خود را مأمور مطالعه پرونده مصدق السلطنه و تنظیم گزارشی در این زمینه نمود. به طوری که اطلاع می‌رسد اکنون آقای عقیلی مطالعات خود را بر روی پرونده مصدق که از طرف دادرسی ارتش به دیوان عالی کشور ارسال شده خاتمه داده‌اند و تنظیم گزارش ایشان به زودی تمام خواهد شد. شعبه مأمور رسیدگی پرونده دکتر مصدق سه عضو دارد که در مورد این پرونده باید رأی بدهند. آقای عقیلی یکی از سه عضو مذکور می‌باشند که پس از تنظیم گزارشی شعبه جلسه خود را تشکیل خواهد داد و سه قاضی به آن رأی خواهند داد. به قرار اطلاع در این گزارش آقای عقیلی حکم دادرسی ارتش را ابرام کرده‌اند و احتمال قوی می‌رود که در جلسه شعبه دو قاضی دیگر نیز این حکم را ابرام نمایند».

اکنون نیز رونوشتی از نامه ۱۹ تیرماه تقدیم و خاطر آن قضات عالی‌مقام را به این نکته توجه می‌دهد که در محاکم بدوی و تجدیدنظر نظامی چندبار به سرری شدن محاکمه

تهدید شدم و بهتر آن دانستم که از ذکر بعضی از حقایق خودداری کنم تا دادگاه سرکی نشود و هموطنانم از جریان محاکمه بی‌خبر نمانند. به نص صریح ماده ۴۵۲ و ۴۵۱ قانون اصول محاکمات جزائی «متداعیین در دیوان تمیز احضار می‌شوند»، «متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند» چنانچه اینجانب را احضار نکنند از حق قانونی خود محروم نموده و از عدالت استنکاف فرموده‌اند.

اینجانب نباید بیش از این چیزی عرض کنم و در این زندان مشقت بار تکلیف خود را بدین طریق تعیین می‌کنم که تا ظهر چهارشنبه ۱۸ مرداد اگر آن دیوان مرا مطمئن نکنند که اجازه خواهند داد از خود دفاع کنم از صرف غذا اجتناب کنم و از عذاب الیمی که به آن مبتلا شده‌ام خود را زودتر خلاص کنم. البته تاریخ قضاوت خواهد نمود که آن دیوان چرا نسبت به من که در تمام مدت تصدق کار غیر از خیر مملکت نظری نداشتم این رویه را اتخاذ نموده‌اند و من هم بیش از این چیزی نمی‌خواهم.

دکتر مصدق

ضمیمه رونوشت نامه ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴ دیوانعالی کشور

دکتر مصدق در نامه‌ای به تاریخ ۱۷ مردادماه ۴ به لایحه ارسالی مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۳۴ دیوانعالی کشور اشاره می‌کند که در آن زندگی رقت‌بار زندان را ذکر و از اعصاب غذا سخن به میان آمده است.

علی‌الظاهر دکتر مصدق به منظور جلوگیری از ایجاد وحشت ناشی از اتمام حجت خود که می‌باید احساس شود که در زندان با دکتر مصدق بد رفتاری می‌شود و برای رفع این سوء تفاهم این نامه را می‌نویسد:

زندان لشکر ۲ زرهی ۱۷ مرداد ۱۳۳۴

تیمسار سرتیپ آزموده دادستان ارتش

چون از این قسمت نامه مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۳۴ اینجانب به دیوان عالی کشور «در این زندان مشقت بار تکلیف خود را بدین طریق تعیین کنم» این سوء تفاهم حاصل شده که افسران محافظ اینجانب در زندان لشکر ۲ زرهی رفتاری غیرعادلانه و برخلاف مقررات نسبت به اینجانب داشتند و یا اینکه از حیث وسایل ناراحت هستم توضیحاً عرض می‌کنم که مقصود اینجانب سلب آزادی است که حتی دیوانکشور هم اجازه نمی‌دهد بر طبق مواد ۴۵۱ و ۴۵۲ قانون اصول محاکمات جزائی در آن دیوان حاضر

شوم و از خود دفاع نمایم و تاکنون هم که قریب دو سال می‌گذرد نمی‌دانم چه شده که با کبرستان و ناتوانی توانسته‌ام در زندان به سربرم و الا هیچ شکایتی از افسران محافظ و دستگاه لشکر ۲ زرهی ندارم^۱ و چنانچه می‌بایستی زندانی باشم لشکر ۲ زرهی را به جاهای دیگر ترجیح می‌دهم.

دکتر محمد مصدق

رئیس دیوانعالی کشور طی نامه ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۵/۱۷ چنین پاسخ می‌دهد:

جناب آقای دکتر مصدق

دو ظفری نامه جنابعالی یکی مورخ ۱۵ مرداد و دیگری ۱۹ تیرماه گذشته به وسیله دادستانی ارتش رسید. شعبه ۹ دیوانعالی کشور که مرجع رسیدگی پرونده است به علت معذوریت و مأموریت دو نفر از مستشاران تکمیل نیست. قریباً مدت آنان تمام و شعبه نامبرده دایر و مهیا برای رسیدگی خواهد شد. متدرجات پاره‌ای جرایم که مورد ملاحظه گردیده مطابق با جریان امر نیست. راجع به تقاضای اینکه موقع طرح شخص جنابعالی در دیوانکشور برای بیان مطالبی حضور بهم رسانید طبق رویه معمول دیوانکشور از بدو تشکیل تاکنون در صورتی متهم و یا متداعین برای اداء توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می‌شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجامخواه را لازم بداند و رسیدگی و اعمال نظر دیوانکشور در امور جزائی محدود است به مواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است.

رئیس دیوانعالی کشور علی هیئت

اینک لایحه مورخه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۳۴ در پاسخ به نامه شماره ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۵/۱۷ دیوان کشور

ریاست محترم دیوانعالی کشور

نامه شماره ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۷ مرداد عن‌وصول ارزانی بخشید. لزوماً به عرض جواب مصلح می‌شوم که بعد از تقدیم درخواست فرجامی قریب یکسال باز در زندان مجرد بسر برده

۱- در طول مدت وکالت که به زندان دکتر مصدق می‌رفتیم اغلب با افسرانی زورمرومی شده که فعلاً با من کنار کرده و مردانی مؤدب و سبقت به دکتر مصدق کمال احترام و فروتنی داشتند مانند سواد حیدر و سروان نوزاد.

و هیچ عرض ننمودم ولی همین که در مجله سپید و سیاه مطالبی خواندم شرحی عرض نمودم و دیوانعالی کشور را به حقی که قانون به هر منتهی داده است متوجه نمودم.

اینکه مرقوم فرموده اند «طبق روتبه معموله دیوانکشور از بدو تشکیل تکنون، در صورتی متهم و یا متداعیین برای ادای توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجامخواه را لازم بداند» عرض می کنم در هر قانون اول این موضوع باید مورد مطالبه قرار گیرد و روشن شود که آن قانون در رفع چه اشخاصی وضع شده است.

ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی که می گویند: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمبر حاضر می شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی افتد «صرفاً» در نفع متهم وضع شده و هیچکس غیر از او صاحب حق نیست و فقط متهم می تواند از آن صرف نظر نماید.

نیز ماده ۴۵۱ «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می نماید. متداعیین یا وکلای آنان به اجازه شعبه مطالب خود را اظهار می دارند» دو جمله آن حق مسلم و صریحی است که قانون به متهم داده و شعبه نمی تواند به استناد روتبه قضائی از او سلب حق کند که از قدیم گفته اند اجتهاد در مقابل نص غلط است. روتبه قضائی وقتی حجیت دارد که در قانون حکمی نباشد وقتی قانون به متهم حق می دهد که در دیوانکشور حاضر شود و از خود دفاع نماید، آیا می توان قبول نمود که روتبه قضائی بتواند این حق را از متهم سلب نماید.

مرقوم شده است «رسیدگی و اعمال نظر دیوانکشور در امور جزائی محدود است به مواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است»، که یکی از آن موارد این است: «در موارد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی در صورتی که عدم رعایت قوانین مزبور به اندازه ای اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی بیندازد» لذا عرض می کنم چه عدم رعایتی از این بالاتر که ماده ۱۹۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش به متهم حق می دهد «آنچه را که برای مدافعه مفید می داند در موقع اظهار دارد» و اینجانب به شهادت پرورنده و جراید در هر دو دادگاه چند بار به سرگی شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه محاکمه اینجانب در پس پرده صورت نگیرد و مردم علاقه مند به کلی از جریان کار دادگاه بیخبر نمانند از اظهار بعضی حقایق خودداری کرده ام با این حال معلوم نیست وقتی که قسمتی از اعتراضات خود را نه کتباً نموده ام نه شفاهاً دیگر به چه استناد شعبه می تواند «برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجامخواه را لازم نداند».

ریاست محترم دیوانعالی کشور؛ امید من در این دو سال زندان همیشه این بوده و هست که در جلسات محاکمه حاضر شوم و از حقی که قانون به من اعطا نموده است استفاده نمایم و جای کمترین شک و تردید در بیگناهی خود باقی نگذارم. این است که تمنا می‌کنم بلافاصله بعد از تشکیل شعبه نظریات آقایان محترم و انضاء شعبه را در موضوع این درخواست به اینجانب ابلاغ فرمایند تا تکلیف خود را بدانم.

دکتر محمد مصدق

تقاضای ملاقات با وکلاء

زندان لشکر ۲ زرهی هشتم مهرماه ۱۳۳۴

جناب آقای علی هیئت رئیس دیوانعالی کشور

چون در شماره ۸۷۹۲ مورخ ۶ مهرماه روزنامه اطلاعات منتشر شده که پرونده اینجانب مورد مطالعه قرار گرفته است متمنی است اجازه فرمایند سه جلسه که مدت جلسات بیش از ۸ ساعت طول نکشد و فاصله بین جلسات را هم خود اینجانب تعیین کنم یا آقایان وکلایم در زندان ملاقات دست دهند.

دکتر محمد مصدق

اسامی آقایان وکلاء به ترتیب حروف: آقای علی شهیدزاده، آقای حسن صدر، آقای بهرام مجنزاده

و در بیستم مهرماه ۱۳۳۴ شرحی به دادستانی ارش می‌نویسد:

زندان لشکر ۲ زرهی ۲۰ مهرماه ۱۳۳۴

دادستانی محترم ارش

برای تنظیم یک وصیتنامه رسمی چنانچه اجازه فرمایند جناب آقای حسن عنایت رئیس دفتر استاد رسمی ۱۳۹ یک جلسه با حضور نماینده آن دادستانی یا اینجانب ملاقات نمایند موجب تشکر است.

دکتر محمد مصدق

۱- وضع در صلح شمال غربی چهار رود حسن آباد تهران که به سرپرستی آقای عنایت به این تقاضا قوی مترتب نمیشود
دکتر مصدق وصیت خود را کرده بود (شرح کتاب چهارم که بقید حیات منتشر خواهد شد) و این تقاضا آزمایشی بود برای
وقوف از عکس العمل دستگاه که متفی بود.

توضیح: سرتیب آورده از اول مهرماه ۱۳۳۴ بدلالت رسیدی که دلمه به درجه سرلشکری ترفیع یافته.

بر اساس مندرجات جراید که مستمکی برای دنبال کردن کار خود داشت لایحه ای بدیوان کشور می فرستد.

زندان لشکر ۲ زرهی ۲۲ مهرماه ۱۳۳۱

ریاست محترم دیوانعالی کشور

چون در بعضی از جراید مرکز خبری منتشر شده که چهارم آبان یعنی روز ولادت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عذّه ای از مجرمین من جمله خود اینجانب مشمول عفو ملوکانه قرار خواهند گرفت لذا به عرض این نامه تصدیق اقرا می شود.

I

که از این حق کسانی می توانند استفاده کنند که از آخرین دادگاه کیفری حکم قطعی راجع به محکومیت آنها صادر شده باشد در صورتی که حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی راجع به سه سال حبس مجزّد اینجانب هنوز قطعی نشده و از ۱۴ شهریورماه ۳۳ که درخواست فرجام نموده ام در آن دیوان بلا تکلیف مانده است.

نسبت به حکم مزبور دیوانعالی کشور می تواند به یکی از سه طریق عمل کند:

۱- آن را نقض کند و به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی دارد ارجاع نماید.

۲- حکم را ابرام کند.

۳- آن را نقض بلا ارجاع فرماید.

اتخاذ هر یک از این سه طریق بسته به میزان علافه ای است که رأی دهندگان به حفظ حیثیات خود و استلال قوه قضائیه دارند و آن چیزی که در اختیار دیوانعالی کشور نیست همان سلب حق حضور در دادگاه از متهم است که حتی در ممالک بسیار عقب افتاده هم آن را از متهم سلب نمی کنند، مضافاً به اینکه قانونگذار ما هم از این اصل که یکی از اصول مهمه حقوق جزائی است الهام گرفته و ماده ۴۵۱ اصول محاکمات جزائی را بدین طریق تنظیم نموده است: «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیّه خود را فراشت می نماید. متداعیین یا وکلای آنان به اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می دارند...» و ماده ۴۵۲ نیز می گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می شوند و اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی افتد».

این حق حضور از نظر قانونگذار آنقدر مهم تلقی شده که ماده ۴۵۳ می گوید: «پس از

آنکه طرفین برحسب اصول احضار شدند. حکم صادره از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست» که مفهوم مخالف آن این است اگر مشهم احضار نشد حکم غایب است و او می‌تواند به آن اعتراض کند.

II

نظر به اینکه در نامه مورخ ۱۹ مرداد گذشته نظریات خود را در خصوص مواد ۵۵۱ و ۵۵۲ عرض و به صورت مشروح استدلال کرده‌ام دیگر زاید است از این بابت چیزی عرض کنم.

در جرانه روز البته ملاحظه فرموده‌اند که در آخرین جلسه دادگاه بدوی نظامی نامه ای به شماره ۶۵۹۲ مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۳۳ از وزارت دربار شاهنشاهی نه ریاست دادگاه رسید که عیناً برای استحضار نقل می‌شود: «بفرموده اعلیحضرت همایون شاهنشاه به پاس خدمات آقای دکتر محمد مصدق در سال اول نخست وزیری خود در امر ملی شدن صنعت نفت که خواسته عموم ملت ایران و مورد تأیید و پشتیبانی ذات ملوکانه بوده و می‌باشد و آنچه نسبت به معظمه گذشته است صرفت نظر فرموده‌اند».

اکنون لازم می‌دانم خدمتانی که در سال اول دولت این جانب به منکک و شاهنشاه شده است به اختصار شرح دهم:

۱- ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ صورت گرفت و تا ۱ اردیبهشت ماه ۳۰ مجلس شورای ملی و سنا به اینجانب رأی تمایل دادند قطعی شده بود. این بود که از تشکیل دولت خودداری کردم تا قانون نه ماده راجع به اجرای ملی شدن صنعت نفت در مجلس تصویب شود و ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور قطعیت پیدا کند.

۲- خلع ید از شرکت سابق که روز ۲۹ مرداد بعمل آمد.

۳- دولت انگلیسی اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف شرکت سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را شناخت. بر فرض عدم شناسایی صنعت نفت ملی شده بود چونکه هر مملکت روی اصل حاکمیت ملی می‌تواند هر یک از صنایع خود را ملی کند و این شناسایی از این نظر مفید بود که شرکت نمی‌توانست ادعای عدم النفع کند چون که ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط شناخته بود.

بنابر این دعوای شرکت منحصر می‌شود به غرامت.

۴- خروج کارشناسان انگلیسی از ایران بعد از ۴ مهرماه ۱۳۳۰.

۵- پیشرفت دولت در شورای امنیت.

۶- آزادی انتخابات.

۷- انحلال قونسولگریهای انگلیس.

از مراحلی که بعد از اردیبهشت ۳۱ یعنی بعد از سال اول تشکیل دولت اینجانب ملت ایران طی سه‌چون مورد پشتیبانی و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاه واقع نشده چیزی عرض نمی‌کنم و فقط من باب مثال به یکی از آن مراحل اشاره می‌نمایم و آن شکست سیاست خارجی در دیوان بین‌المللی دادگستری است که در اول مرداد ۳۱ صورت گرفت و قضات آن خود را به سیاستهای استعماری آشنا و آلوده نکردند و از راه حقیقت‌قدمی خارج نگذاشتند و حتی «سر آرنولد مک‌زایر» قاضی انگلیس و رئیس دیوان بر علیه دولت خود رأی داد و مورد تحسین و تقدیر جهانیان قرار گرفت. چونکه قاضی شرافتمند آن کسی است که رأی به حق ندهد و غیر از حق و عدالت چیزی در نظر نگیرد و هیچ فردی در هر مقام نتواند او را آلت فعل قرار دهد و اثر عقیده و ایمانی که دارد منحرف سازد.

از آنچه گذشت این سوال پیش می‌آید اگر عملیات سال اول دولت اینجانب به شرحی که گذشت خوسته‌های ملت ایران بوده آیا از حق اعلیحضرت اینجانب باید استفاده کنیم یا کسانی که برخلاف خواسته‌های ملت عمل کرده‌اند؟

اکنون متجاوز از یک سال است که اینجانب ناگزیر بهای زندان مجرّم را تحمل کرده‌ام برای اینکه آقایان مستشاران محترم بتوانند پرونده اینجانب را مورد مطالعه قرار دهند و بررسی فرمایند تا معلوم شود که چند مرتبه در هر دو دادگاه به سرئی شدن محاکمه نهیدید شدم و برای اینکه کار در پشت‌پرده نگذرد و مردم از جریان محاکمه بیخبر نمانند از اظهار حقایقی که به نفع خود بود خودداری کرده و اکنون معلوم نیست چرا باید از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم شود و در جلسات دادگاه حاضر نشوم و از خود دفاع نکنم.

به ضروری که در یکی از جلسات دادگاه نظامی عرض شده چنانچه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اینجانب را مشمولاً عضو قرار دهند چون بزرگترین توهینی است که به یک خدمتگزار مملکت می‌شود زیرا بار آن نمی‌روم و به زندگی خود خاتمه می‌دهم.

اکنون نیز به استحضار عالی می‌رسانم که هرگاه شعبه اینجانب را برای حضور در دادگاه دعوت نکند و حق دفاعی که قانون به هر متهمی داده است از اینجانب سلب

کند چون دیگر وسیله ای برای دفاع ندارم مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهم و غیر از نخوردن غذا به وسیله دیگری متوسل نمی‌شوم تا در زندان به سر می‌برم برای اینکه کسی را منم نکنند طریقه دیگری اتخاذ نخواهم کرد. از همه خواهانم که بعد از اتخاذ تصمیم مرا رحمت ندهند و احتضارم را طولانی نفرمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه ای دیگر به سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران، در عین حال فرمانده لشکر ۲ زرهی و محافظ دکتر مصدق ارسال شده است.

زندانی لشکر ۲ زرهی ۲۲ مهرماه ۱۳۳۴

تیسار سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران

برق زندان اینجانب به واسطه فرسودگی سیم آن گاهی اوقات روزی چند مرتبه خاموش می‌شود که می‌آیند و آن را تعمیر می‌کنند. چون فصل زمستان است و اینجانب بدون برق نمی‌توانم بسر برم مسمی است یا اجازه فرمایند ۳۰۰ متر سیم نو خود اینجانب تهیه کنم و یا مخارج لازمه را تصویب فرمایند که رفع اشکال بشود. چنانچه هیچیک از این دو طریق ممکن نباشد بنده از این تمدن ناچیز صرف نظر می‌کنم اجازه فرمایید همان کرسی خودمان را بیاورم. در اینصورت لازم است که محلی برای ریختن خاک ذغال تعیین فرمایند.

دکتر محمد مصدق

بیماری تب مفرغی در فایزادگی

برق نزدان این جانب بر مظهر فرموده گیم این گاه بر آفت از در می آید
 خارش میزد و یا میزد آن را قیصر مکنید چون فصدت سنان است و این
 برق نمیتوانم ببریم مکنی است یا چاره زینده ۳۰۰ ترسیم تو خواهی
 و این خارج ندره را بصورت زینده زرع نکند شود بخانه ای که در این
 طریق مکن باشد بنده در این تدابیر جوهر مظهر مکنیم چاره زینده
 کرد خودان را با یادیم در مظهر مکنیم است و مکن در این خاک
 زغال مکن زینده در مظهر مکنیم